



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

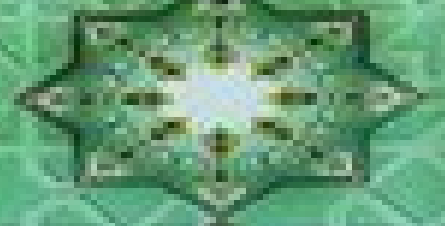
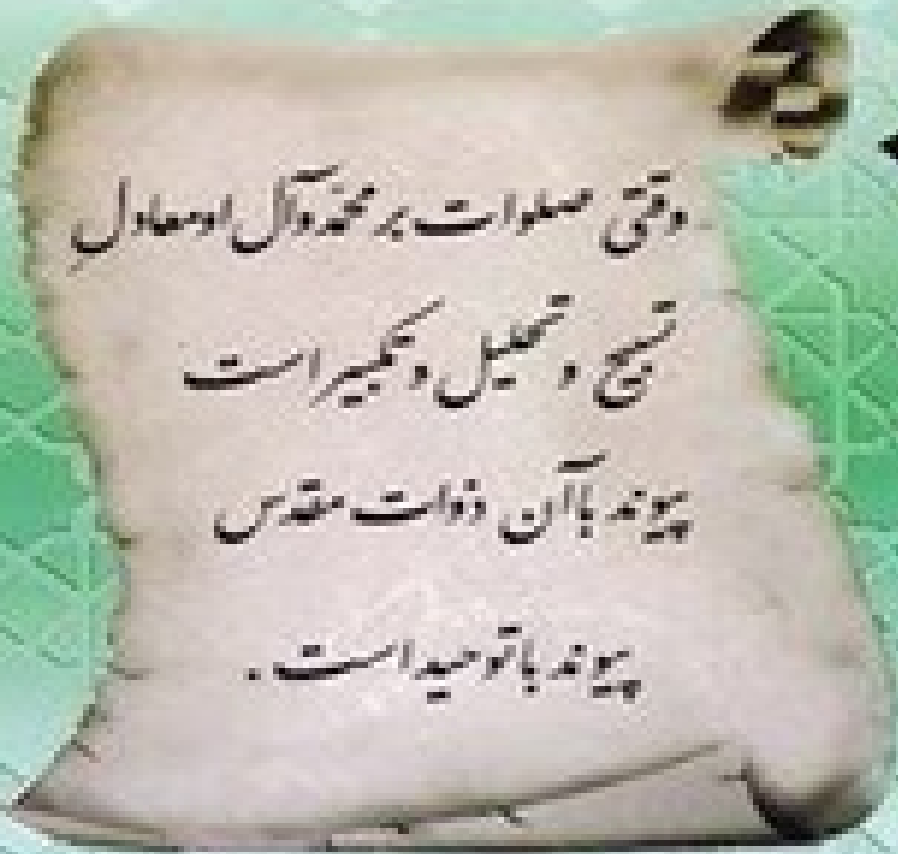


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

صلوات بر پیامبر ﷺ

عامل قدسی شدن روح



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عامل قدسی شدن روح

نویسنده:

اصغر طاهرزاده

ناشر چاپی:

لب المیزان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عامل قدسی شدن روح
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۴	مقدمه
۲۰	تأثیر صلوات خدا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
۲۳	برکات صلوات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مؤمنین
۲۴	صلوات؛ عامل بقای الهامات معنوی
۲۵	صلوات؛ عامل پاکی از گناه
۲۶	قبله واقعی جان انسان ها
۳۰	بازگشت به خود گمشده
۳۳	خروج از ظلمات به سوی نور
۳۵	صلوات؛ عامل غفران
۳۸	صلوات؛ عامل رفع حجاب
۳۹	پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام یک حقیقت اند
۴۲	صلوات؛ عامل وسعت جان
۴۴	صلوات و نورانیت قبر و صراط و بهشت
۴۵	مقام جامعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله
۵۲	«زهد» و «مجاهده» و «کرم»
۵۷	شاخصه های شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله
۷۲	پیامبر صلی الله علیه و آله؛ تعین توحید
۷۲	امامان معصوم علیهم السلام تعین اسماء حسناى الهی
۷۷	راه نجات از نفاق

۷۹	پیامبر صلی الله علیه و آله؛ گمشده جان انسان ها
۸۱	جایگاه زن در منظر پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۳	سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله
۸۶	چگونگی راه رفتن و نظرکردن حضرت صلی الله علیه و آله
۸۷	چگونگی برخورد آن حضرت صلی الله علیه و آله
۸۹	وضع حضرت صلی الله علیه و آله در خانه
۹۱	وضع حضرت صلی الله علیه و آله در بیرون خانه
۹۳	چگونگی مجلس حضرت صلی الله علیه و آله
۹۵	وضع حضرت صلی الله علیه و آله با هم نشینان
۹۷	سکوت حضرت صلی الله علیه و آله
۱۰۶	چگونگی فرستادن صلوات
۱۱۰	نقش صلوات در استجاب دعا
۱۱۶	درباره مرکز

صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عامل قدسی شدن روح

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -

عنوان و نام پدیدآور : صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عامل قدسی شدن روح / اصغر طاهرزاده.

مشخصات نشر : اصفهان: لب المیزان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۰۵ص؛ ۱۱/۵×۱۹/۵س م.

فروست : سلسله مباحث نبی و نبوت.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۹-۰۹-۳؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فایا(چاپ سوم)

یادداشت : چاپ اول و دوم : ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ سوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق.

موضوع : صلوات

رده بندی کنگره : BP۲۶۶/ط۱۲۷ص ۸ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۱۶۱۴۵

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله؛ عامل قدسی شدن روح

اصغر طاهرزاده

۱۳۸۷

ص: ۳

تأثیر صلوات خدا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۳

برکات صلوات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مؤمنین ۱۶

صلوات؛ عامل بقای الهامات معنوی ۱۷

صلوات؛ عامل پاکی از گناه ۱۸

قبله واقعی جان انسان ها ۱۹

بازگشت به خود گمشده ۲۳

خروج از ظلمات به سوی نور ۲۶

صلوات؛ عامل غفران ۲۸

صلوات؛ عامل رفع حجاب ۳۱

پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام یک حقیقت اند ۳۲

صلوات؛ عامل وسعت جان ۳۵

صلوات و نورانیت قبر و صراط و بهشت ۳۷

مقام جامعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۸

«زهد» و «مجاهده» و «کرم» ۴۵

شاخصه های شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ۵۰

پیامبر صلی الله علیه و آله؛ تعیین توحید ۶۵

امامان معصوم علیهم السلام تعیین اسماء حسناى الهی ۶۵

راه نجات از نفاق ۷۰

پیامبر صلی الله علیه و آله؛ گمشده جان انسان ها ۷۲

ص: ۵

جایگاه زن در منظر پیامبر صلی الله علیه و آله ۷۴

سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله ۷۶

چگونگی راه رفتن و نظر کردن حضرت صلی الله علیه و آله ۷۹

چگونگی برخورد آن حضرت صلی الله علیه و آله ۸۰

وضع حضرت صلی الله علیه و آله در خانه ۸۲

وضع حضرت صلی الله علیه و آله در بیرون خانه ۸۴

چگونگی مجلس حضرت صلی الله علیه و آله ۸۶

وضع حضرت صلی الله علیه و آله با هم نشینان ۸۸

سکوت حضرت صلی الله علیه و آله ۹۰

چگونگی فرستادن صلوات ۹۹

نقش صلوات در استجاب دعا ۱۰۳

ص: ۶

مسلم در راستای سلوک الی الله نظر به انسان هایی که سراسر وجود آن ها نمایش پاکی و کمال می باشد بسیار کارساز است، و ذات مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام چنین انسان هایی هستند. حال اگر ذکر و فکر انسان تماماً نظر به آن ها باشد، عملاً سیر روحانی او به سوی آن ها خواهد بود و به کمک نور توجه به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به راحتی از ظلمات دنیا عبور خواهد کرد و با حقایق عالم وجود روبه رو می گردد.

کتابی که در اختیار عزیزان قرار دارد تلاشی است برای نگرستن به ذوات مقدس پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و چشم برداشتن از آن ها که توسط استاد طاهرزاده بیان و تنظیم شده است، تا در عین توجه دادن به جایگاه روحانی وجود اقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله معنی صلوات برای آن حضرت و اهل بیت ایشان روشن گردد و این شاء الله وسیله ای باشد تا عزیزان با معرفت لازم متذکر به ذکر شریف «صلوات» گردند و از برکات فوق العاده آن برخوردار شوند.

گروه فرهنگی المیزان

{ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا } [١]

در مدخل سالگرد بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مقام جامعیت انسانیت، انسانُ الْكُلِّ، مظهر کامل مقام همه انبیاء و اولیاء به ظهور اسم جامع «الله»، آنچه که شایسته است مورد نظر باشد توجه به مقام آن حضرت است. در چنین شبی توجه ها را به پیامبری بیندازیم که افق انسانیت است، تا روشن شود هر کس از شناخت و تبعیت آن حضرت باز بماند، از خود باز مانده است.

خداوند در قرآن نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله یک پیامی و یک وظیفه ای و یک هدایتی برای ما مطرح فرموده است. می فرماید: ای انسان ها! ای همه انسان ها! قضیه از این قرار است که؛ «إِنَّ

ص: ۹

اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ خدا و ملائکه او بر پیامبر صلوات می فرستند، ای مؤمنین شما هم بر او صلوات بفرستید و همگی به طور کامل تسلیم او شوید.

با دقت در آیه مذکور که می فرماید خدا و ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند، روشن می شود که این یک قاعده کلی و یک سنت و ناموس جاری در هستی است که همه کربوبیان و همه ملائکه عالم قدس و حتی خود خداوند، که جامع همه کمالات است، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستند. (۱) بعد نتیجه می گیرد که ای مؤمنین! شما هم اولاً؛ درود بفرستید، ثانیاً؛ با تمام وجود و به نحو کامل تسلیم او شوید تا شأن شما هم، شأن ساکنان عالم قدس گردد و خدایی شوید. یعنی حال که دانستید اهل عالم قدس و ملکوت و حتی خود خداوند بر

ص: ۱۰

۱- وقتی خداوند بر کسی درود بفرستد، نشانه آن است که جمال خود را در آینه وجود او می نگرد، و گرنه «العالی لا یلتفتُ الی السافل» عالی هرگز به سافل نظر ندارد. لذا است که فرمود: نظری کرد ببیند به جهان قامت خویش خیمه در مزرعه آب و گل آدم زد یا می فرماید: چو آدم را فرستادیم بیرون جمال خویش بر صحرا نهادیم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستند، اگر می خواهید قدسی شوید و جهت جانتان به سوی عالم قدس باشد و شأن شما هم شأن ملائکه گردد و خدایی شوید، «صَلُّوا عَلَیْهِ»؛ شما هم به پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستید.

از این آیه بر می آید که با درودفرستادن بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جان و قلب انسان هماهنگ با عالم الهی خواهد شد و متخلق به صفات الهی می گردد، پس «صَلُّوا عَلَیْهِ» بر او صلوات بفرستید تا با صلوات بر محمد و آل او، نبض جان شما نیز چون نور جاری در عالم قدس، به سوی حضرت «الله» سیر کند. با این آیه خبر می دهند که اگر شما هم در آن وادی که خدا و ملائکه قرار دارند، وارد شوید، هم سنخ آن عالم می گردید و لذا از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که؛ «هرگاه نام من نزد فردی برده شود و او بر من صلوات نفرستد، از رحمت الهی دور افتد و او را به دوزخ برند».^(۱) زیرا وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله دریچه نظر به عالم قدس و بهشت الهی است. حال اگر کسی از آن حضرت روی برگرداند، و وقتی نام آن حضرت در مجلسی برده شود از طریق صلوات بر او، نظر خود را بر وجود مبارک او نیندازد، عملاً به بهشت الهی پشت کرده است.

ص: ۱۱

مقام اسم جامع الهی یعنی «الله» و نیز ملائکه یعنی مظاهر اسماء الهی، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود می فرستند و نظر به آن حضرت دارند و در آینه وجود آن حضرت زیبایی ها و کمالات قابل ستایش را می بینند. حال اگر شما می خواهید نزدیک به خدا و هم سنخ ملائکه شوید، «صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ به زیبایی های وجود نورانی آن حضرت بنگرید و نه فقط با شعور قلبی بر آن حضرت درود فرستید، بلکه در مقام عمل تسلیم کامل او شوید. یعنی هم جنبه قلبی شما با درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قدسی گردد و چشم تان، چشم الهی شود، هم قوای تحریکی و عقل عملی شما پذیرای قول و فعل پیامبر صلی الله علیه و آله گردد، تا آن هماهنگی که لازمه وجود شما با خداوند است از طریق تسلیم شدن بر پیامبر صلی الله علیه و آله که مقامش مقام وحدت و هماهنگی صرف با احدیت است، در شما نیز ایجاد شود. خوشا آن صلوات و تسلیمی که موجب تقرب جان به عالم ملائکه و حضرت رب العالمین می شود.

در روایت از ابابصیر داریم که می گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» قَالَ الصَّلَاةُ

عَلَيْهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ جَاءَ بِهِ» (۱). از امام صادق علیه السلام از آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» سؤال کردم. فرمودند: یعنی بر او صلوات بفرست و در هر چیزی که آورده تسلیم او باشد. چون تسلیم دستورات خدا شدن، یک نحوه هماهنگی با قلب مبارک آن حضرت است، قلبی که محل اسرار عالم هستی است و مورد توجه خدا و ملائکه الهی است.

تأثیر صلوات خدا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

علامه طباطبایی «رحمه الله علیه» در ذیل آیه ۴۳ و ۵۶ سوره احزاب می فرمایند:

«معنای جامع کلمه «صلوه» - به طوری که از موارد استعمال آن فهمیده می شود- انعطاف است، چیزی که هست این معنای جامع به خاطر اختلاف مواردی که به آن نسبت داده می شود مختلف می شود، به همین جهت بعضی گفته اند: «صلوات از خدا به معنای رحمت و از ملائکه به معنای استغفار و از مردم دعا است» (۲). «صلوه» در اصل به معنای انعطاف بوده، و صلوات خدا بر پیامبر به

ص: ۱۳

۱- «بحار الأنوار»، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲- «روح المعانی»، ج ۲۲، ص ۴۳.

معنای انعطاف او به وی است به وسیله رحمتش، البته انعطافی مطلق، چون در آیه شریفه صلوات را مقید به قیدی نکرده و همچنین صلاه ملائکه او به آن جناب، انعطاف ایشان است بر وی، به این که او را تزکیه نموده و برایش استغفار کنند، و صلاه مؤمنین بر او انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای او.

این که قبل از امر به مؤمنین که بر او صلوات بفرستید، نخست صلوات خود و ملائکه خود را ذکر کرد، دلالتی است بر این که صلوات مؤمنین بر آن جناب به پیروی خدای سبحان و متابعت ملائکه اوست و این که کاری نکنند که موجب اذیت آن حضرت شود. (۱)

در راستای نقش صلوات خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله و بر مؤمنین، قرآن می فرماید:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»؛ (۲)

خداوند و ملائکه بر شما درود می فرستد تا شما را از ظلمات به سوی نور خارج کند و او نسبت به مؤمنین در نهایت لطف و رحمت است.

ص: ۱۴

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه ۵۶ سوره احزاب.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۳.

چنانچه ملاحظه می فرمایید صلوات از ناحیه خدای سبحان کرامت و برای نورانی کردن و رهنایدن از تیرگی و ظلمت است. البته این صلوات نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام که در مقام عصمت هستند عامل دفع و منع هجوم ظلمت به ساحت ایشان است و موجب می شود که در مقام عصمت خود پایدار بمانند، ولی نسبت به دیگران عامل رفع و زدودن تیرگی های موجود در شخصیت آن هاست. با توجه به آیه فوق که نشان می دهد صلوات خداوند و ملائکه موجب خروج مؤمنان از ظلمات به سوی نور است، روشن می شود که وقتی خداوند می فرماید: «...وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»؛ (۱) به صابران بشارت ده، آن هایی که چون مصیبتی به آن ها برسد، می گویند: ما از خداییم و به سوی او بر می گردیم، بر آنان صلوات و رحمت از طرف پروردگارشان است و آن ها هدایت شده اند.

چنانچه ملاحظه می فرمایید صلوات خدا بر صابران نیز نازل می شود و در نتیجه نورانی و نورانی تر خواهند شد.

ص: ۱۵

برکات صلوات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مؤمنین

در اثر صلوات الهی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بهره مندی های خاصی که در اثر این صلوات برای رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می آید، آن حضرت خود منشأ صلوات برای دیگران می شوند و عامل خروج آن ها از ظلمات به سوی نور خواهند شد. در همین رابطه قرآن می فرماید:

«وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۱)

از اعراب بادیه نشین آن هایی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند و با انفاق خود قرب الهی و صلوات رسول خدا صلی الله علیه و آله را به دست می آورند، بدانید که این انفاق مایه تقرب آنان است، به زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش درآورد که خدا آمرزنده مهربان است

نقش صلوات رسول الله صلی الله علیه و آله بر مؤمنان ایجاد آرامش نفس و سکینه است. چنانچه خداوند می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ

ص: ۱۶

سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ (۱) ای پیامبر از اموال آن‌ها صدقه مربوطه را اخذ کن و از این طریق آن‌ها را از آلودگی‌ها پاک گردان، و بر آن‌ها صلوات بفرست زیرا که صلوات تو عامل آرامش است برای آن‌ها و خدا سمیع و علیم است.

صلوات؛ عامل بقای الهامات معنوی

یکی از عرفا می‌فرماید:

«بنده بذاته فقیر است، باید همیشه آرامش و سلام طلب کند، و اگر آرامش و سلام طلب کند، سیر الهامات غیبی در جان او پایدار می‌ماند و احوالات معنوی در جانش مستقر می‌شود و دیگر آن الهامات گاهی نمی‌آید و گاهی برود. حال اگر انسان از طریق تبعیت از دستورات رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله به مقام تسلیم رسید، مقام استقرار و تمکن الهامات الهیه نصیب او می‌شود و این با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله حاصل می‌گردد و در این حال چون قطب جانش نظر به جان رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد، دیگر الهامات معنوی چون برق لامع ناپدید نمی‌شود، بلکه در نفس انسانِ ذاکرِ صلوات پایدار می‌ماند. به طوری که دیگر مانعی بین او و حقایق عالم قدس نخواهد بود.»

ص: ۱۷

به تعبیر روایات از طریق صلوات بر محمد و آل او جان انسان مثل روزی می شود که متولد شده و بدین شکل از گناهان پاک می گردد. در روایت داریم؛ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالِ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَقَالَ الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَحْمَةٌ وَمِنَ الْمَلَائِكَةِ تَرْكِيهٌ وَمِنَ النَّاسِ دُعَاءٌ وَأَمَّا قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ؛ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا فَإِنَّهُ يَعْنِي التَّسْلِيمَ لَهُ فِيمَا وَرَدَ عَنْهُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ نَصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ قَالَ: تَقُولُونَ صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ قَالَ الخُرُوجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَاللَّهُ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. (۱)

ابن ابی حمزه گوید: پدرم گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم معنی قول خدای عزوجل؛ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» چیست؟ فرمود:

ص: ۱۸

«صلاه» از خدا، فرستادن رحمت است و از فرشتگان، تزکیه داشتن، و از مردم دعا و طلب رحمت کردن است، و اما فرموده خدای عزوجل «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی؛ فرمان برداری از او در آنچه فرماید. گوید به آن حضرت عرض کردم: پس چگونه بر محمد و خاندانش درود فرستیم؟ فرمود شما بگوئید: «صلوات الله و صلوات ملائکته، و أنبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السّلام علیه و علیهم و رحمه الله و برکاته». گوید عرضه داشتیم: پاداش کسی که بر محمد و آلش با این تحیت ها درود فرستد چیست؟ فرمود: به خدا سوگند، مانند پاکی و بی گناهی روزی که متولد گشته است، از گناهان بیرون آید.

قبله واقعی جان انسان ها

مقام پیامبر صلی الله علیه و آله، مقام انسان الکل است، مقام جوهره انسانیت است. انسان اگر به همه ابعاد ممکنه وجود خود معرفت پیدا کرد و خواست همه منزل هایی را که باید طی کند، ببیند، و همه قوه هایش به فعلیت برسد، و همه مدارج ممکنه را به دست آورد، این انسان، قبله جان خود را رسول خدا صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام می بیند.

مقام پیامبر صلی الله علیه و آله اصل هر انسان و مقصد هر انسانی است. در واقع اصل هر انسان، فطرت هر انسان است، فطرت هر انسان، مقام عهد اَلَسْتُ است، مقام عهد الَسْتُ است، مقامی است که انسان، آزاد از همه غفلت ها، با خدا روبه رو شده و شنید و دید که حق از جان او می پرسد: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟» (۱) آیا من پروردگار شما نیستم؟ با تمام وجود، همه به عنوان یک حقیقت واحد گفتند: آری! می بینیم که چنین است. «قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا» یعنی؛ نه تنها می دانیم تو رب ما هستی، بلکه می بینیم که رب ما هستی، هم «بَلَىٰ» را گفتیم و هم «شَهِدْنَا» را. هم می فهمیم که تو رب ما هستی، و هم می بینیم؛ هم در عالم عقل، و هم در عالم قلب، هم در عالم فهم، هم در عالم شهود. این اقرار و رؤیت ربوبیت حق، قصه اصل جان هر انسانی است و مقام پیامبر صلی الله علیه و آله جلوه بالفعل و تعین یافته اقرار مقام «الَسْتِي» هر انسانی است که در جمال منور آن حضرت به فعلیت درآمده و ظهور کرده است. پس اشتیاق هر انسان به پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی اشتیاق به خود برین خودمان، و هر کس شوق بر پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد، خود را گم کرده و از جنبه کمالی خود غافل شده است، و لذا صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی متذکر شدن نسبت به خود اصیل خودمان.

ص: ۲۰

هر کس نظر به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نداشته باشد و هنگام یاد آن ها از صلوات بر آن ها غفلت کند، عملاً راه بهشت را گم کرده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَ آلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي صَلَاتِهِ يُسَلِّكُ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: وَ مَنْ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَانْسَى الصَّلَاةَ عَلَيَّ خُطِيَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ. (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل او را نبرد، با این نماز به راهی غیر از راه بهشت می رود. و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که من نزد او نامم برده شود و بر من صلوات نفرستد به دوزخ رود، پس خدا او را از خود دور کند. و فرمود صلی الله علیه و آله: و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات بر من را فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است.

زیرا بهشت محل تجلی اسماء عالیه الهی است، حال وقتی نظر انسان از نور رسول خدا صلی الله علیه و آله که مقصد اصلی و فطرت متعین انسان ها است منصرف شود، عملاً از بهشت دور شده است.

ص: ۲۱

خوارزمی در مناقب از ابوعلقمه نقل کرده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح را با ما گزارد و بعد رو به ما کرد و فرمود: «ای یاران! من دیشب عموی خود حمزه و برادرم جعفر را در خواب دیدم، از ایشان پرسیدم؛ فدایتان شوم کدام اعمال را برتر یافتید؟ گفتند: بهترین اعمال را در سه چیز یافتیم؛ صلوات بر شما، آب دادن به تشنگان و دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام.

لذا می گوئیم:

«صلوات بر پیامبر، هم به معنی اشتیاق به کلیت وجود مان است، و هم به مفهوم از قوه درآمدن مرکز عقل و روح و قلب است به سوی فعلیت».

پیامبر صلی الله علیه و آله انسان مجسم است بدون هیچ عیب و نقصی، شوق و اشتیاق به پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی اشتیاق و شوق به خود برتری که از پستی ها و پیرایه ها آسوده و آزاد شده است. لذا در خطاب به او عرض می کنیم:

ای رهیده جان تو از ما و من

ای لطیفه روح اندر مرد و زن

مرد و زن چون یک شود، آن یک تویی

چون که یک جا محو شد، آنک تویی

اشتیاق به پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی اشتیاق به انسان الکل، کلیت همه انسان ها یک حقیقت است و اگر همه بخواهند از دریای انسانیت محروم نمانند، باید شوق به پیامبر صلی الله علیه و آله داشته باشند و

ص: ۲۲

شوق به پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق صلوات بر او محقق می شود، به همین جهت می گوئیم:

«توجه به پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی رجعت به مبدأ و اصلی که ما در نهاد خود داریم، و آسودن در مثال اعلای وجود خود، یعنی آسودن در صورت «الستی» و خداسیمایی خود، پس پیامبر صلی الله علیه و آله نه فقط انسان کامل است، بلکه انسان القدیم است و بنیاد و بنیان هر انسان.»

بازگشت به خود گمشده

روزمزگی ها و پیرایه ها ما را از خود اصیل باز داشته است و ناخود را در ما خود کرده است، پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند که انسان خود را خود کند و از ناخود خود آزاد گردد. همه بی قراری ها در انسان ها به جهت آن است که به خود واقعی شان دست نیافته اند و لذا به هر جمعیتی نالان می شوند تا به خود واقعی دست یابند و به اصل خود برسند. بی قراری ها به جهت آن است که غنای ذاتی و برگشت به خود اصیل را از دست داده اند، آن خودی که بتواند از نسیم های قدسی ملائکه برخوردار شود و جانش به صحنه دلگشای عالم غیب و معنویت سیر کند. صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام چنین نیازی را جبران می کند. در روایت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله داریم:

ص: ۲۳

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُقِلِّ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ»؛ (۱) هر که بر من درود بفرستد خدا و فرشتگان بر او درود می فرستند. پس هر که خواهد کمتر و هر که خواهد بیشتر درود بفرستد.

آن هایی که می فهمند صلوات خدا و ملائکه بر جان انسان ها به چه معنی است و چه غوغایی در جان ها به پا می کند و چه شهوداتی به همراه دارد، متوجه هستند روایت فوق چه رمز و رازهایی را برای انسان ها می گشاید. در همین راستا در روایت داریم؛ «عن ابی عبد الله علیه السلام قال؛ قال رسول الله صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ وَ لَمْ يُصَلُّوا عَلَيَّ نَبِيَّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَ وَبَالًا عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (۲) هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند و نام خدا را نبرند و بر پیامبر خود درود نفرستند، آن مجلس مایه وبال و حسرت آنان خواهد شد.

آیا حسرتی بالاتر از آن که انسان راه ارتباط با عالم قدس و معنویت را گم کند؟ انسان هایی که راه هدایت را گم کرده اند، ناخودهای خود را «خود» به حساب می آورند و از خود واقعی

ص: ۲۴

۱- «الکافی»، ۲/ ۴۹۲. «الوسائل»، ۴/ ۱۲۱۲.

۲- «الکافی»، ۲/ ۴۹۷. «الوسائل»، ۴/ ۱۱۸۰. «تفسیر نور الثقلین»، ۴/ ۳۰۱.

که انگشت اشاره به افق برتر انسانیت است، محروم می شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله همان مظهري است که اگر انسان بخواهد خودش را بیابد و به آن آرامش و قرار حقیقی که در اثر خودیابی نصیبتش می شود برسد، باید به پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نظر کند. اشتیاق به پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی اشتیاق به خودی برین که بی قراری را به قرار، و ناخودی را به خود تبدیل می کند.

به عبارت دیگر نظر به پیامبر و آل او علیهم السلام، نظر به هزاران نیازی است که جان ما به دنبال آن است تا با برآورده شدن آن ها، از نقص رو به کمال رود. در روایت داریم:

قال رسول الله عليه و آله: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةً مَرَّةً قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ»؛^(۱) هر کس بر محمد و آل محمد صد بار درود بفرستد، خداوند صد حاجت او را بر می آورد.

نظر به ذوات مقدس پیامبر و آل او علیهم السلام، نظر به فطرت بالفعل هر انسانی است، به همین جهت برکات آن بسیار زیاد و چندین برابر عمل ما خواهد بود.

ص: ۲۵

۱- «مناقب علی بن ابی طالب»، ص ۲۹۵.

حضرت صادق می فرماید: «قال أبو عبد الله عليه السلام يا إسحاق بن فروخ «من صَلَّى على مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى على مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»(۱)؛(۲)

هر کس بر محمد و آل محمد ده نوبت صلوات بفرستد، خدا و فرشتگانش صد نوبت بر او صلوات می فرستند. و هر کس صد نوبت بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خدا و فرشتگانش هزار نوبت بر او صلوات می فرستند، آیا کلام خدا را نمی شنوی که می گوید: «او است که بر شما صلوات می فرستد و فرشتگان او نیز بر شما صلوات می فرستند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بکشانند. و خداوند با مؤمنان مهربان بوده است».

و نیز در همین رابطه داریم که عبد الرحمن بن عوف می گوید: «پیامبر به سجده رفت و آن را طولانی ساخت. از

ص: ۲۶

۱- سوره احزاب، آیه ۴۳.

۲- «الکافی»، ج ۲، ص ۴۹۳.

ایشان سبب را پرسیدیم «قَالَ نَعَمْ أَتَانِي جِبْرَائِيلُ فَقَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ لَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَخَرَزْتُ شُكْرًا لِلَّهِ» (۱)

فرمود: جبرئیل فرود آمد و گفت: هر کس بر تو صلوات فرستد، خداوند بر او ده صلوات می فرستد، من به جهت شکر از خدا، سجده کردم.

انسان اگر به خود مشغول شود، هم خودپسند خواهد شد و هم پریشان احوال. حال با توجه به حقیقت کلی انسانیت و تمرکز بر کمالات او، جهت جانش از چنین ظلماتی به سوی نور سیر می کند، و این همان است که در آخر روایت فوق حضرت بدان اشاره فرمودند که صلوات خدا و ملائکه انسان را از ظلمات به سوی نور می کشاند، پس صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام انسان خاکی را خصلتی افلاکی می دهد. گفت:

بخت جوان یار ماست، دادن جان کار ماست

قافله سالار ما فخر جهان مصطفی است

مسلم اراده انسان های عادی پریشان است و نسبت به خود، خودپسندانه عمل می کنند، چنین انسان هایی در هر چیز که بنگرند و هر چیزی را که اراده کنند، در همه حال نظر به خودِ مادون دارند، حال وقتی نظرشان به انسانی افتاد که نقطه عطف انسانیت است، با تمام وجود می خواهند با او هم افق باشند.

ص: ۲۷

دیگر به جای این که در منظر خود، خود را ببینند، در منظر خود پیامبری را می بینند که تمام توجه او به حضرت احد است، و لذا نه تنها از اراده های پریشان آزاد می شوند و پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله را اراده می کنند، بلکه به جای آن که خود را در منظر خود داشته باشند و گرفتار ظلمات خودپسندی باشند، به حق نظر می کنند و مفتخر به حق پسندی خواهند شد و از خود پراکنده، به خودی جامع و به سوی حضرت احدی سیر می کنند، آزاد از خودی که در آرزوهای کثیر منفجر شده بود و امیال کثیره را اراده می کرد.

صلوات؛ عامل غفران

نظر به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و صلوات بر او، یعنی نظر به مقام اراده کلّ - مقامی متمرکز به نور احد و مجموع شده در زیر حکم توحید- و در نتیجه مشمول رحمت ساکنان حرم قدس شدن، و وارد شدن در حرمی که انسان بدون هر گونه کثرتی در تجرد و یگانگی با حق به سر می برد. در همین رابطه داریم؛ «وَمَا رُويَ أَنَّهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِئِلَ عَنْ قَوْلِ اللهِ تَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» فَقَالَ هَذَا مِنَ الْعِلْمِ الْمَكْنُونِ وَ لَوْ لَا أَنَّكُمْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ مَا أَخْبَرْتُكُمْ بِهِ إِنَّ

اللَّهُ وَكَلَّ بِي [لِي] مَلَائِكِينَ فَلَمَّا أَذْكَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَيَصِلُ عَلَيَّ إِلَّا قَالَهُ لَكَ الْمَلَكَانِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَقَالَ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ آمِينَ وَ لَا أَذْكَرُ عِنْدَ [كُلِّ] مُسْلِمٍ وَ لَمْ [فَلَا] يُصَلِّ عَلَيَّ إِلَّا قَالَ الْمَلَكَانِ لَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَقَالَ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ آمِينَ» (۱)

وقتی که جمعی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمودند از تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، پس آن حضرت در مقام جواب آن جماعت در آمده فرمودند که: «این آیه کریمه از جمله علوم مکنون است که اگر شما از آن سؤال نمی کردید هر آینه من خبر آن را به شما نمی دادم و تفسیر آن را بیان نمی کردم. به درستی که حضرت ربّ العزّه دو فرشته بر من موکل گردانیده است که نزد هیچ یک از شما مذکور نشوم که او صلوات بر من فرستد مگر آن که آن دو فرشته از برای او آمرزش خواهند، و در جواب آن کس که صلوات بر من بفرستد، گویند: خداوند تو را بیامرزد. و چون آن دو فرشته برای آن مؤمن طلب آمرزش نمایند، الله تعالی و جمیع فرشتگان بگویند: آمین. و نزد هیچ یک از شما مذکور نشوم که او صلوات بر من نفرستد مگر آن که آن ملکین موکلین او را نفرین کنند و در جواب آن کس

ص: ۲۹

گویند که: خداوند تو را نیامرزد، و خداوند و جمیع فرشتگان بگویند: آمین».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ذکر روایت فوق قاعده جاری در عالم غیب را بر ملا نمودند که چگونه قلب ذاکرِ صلوات از گناهان پاک می شود، و راستی پاداشِ انسانی که از همه دل کننده و نظر خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام انداخته باید کمتر از این باشد؟

و نیز در کتب اهل سنت از آن حضرت نقل شده است:

«أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ عَلَيَّ مَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِكُمْ»^(۱) صلوات بر من را بسیار کنید. زیرا، صلوات شما بر من مایه آمرزش گناهان است.

و نیز از «ابودرداء» از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«مَنْ صَلَّى عَلَيَّ حِينَ يَضِيحُ عَشْرًا وَ حِينَ يَمْسِي عَشْرًا أَدْرَكَتُهُ شَفَاعَتِي»^(۲) کسی که در هر صبح و شام ده بار بر من صلوات فرستد، شفاعت من او را فرا گیرد.

ص: ۳۰

۱- «کنز العمال»، ج ۱، ص ۴۳۶.

۲- «کنز العمال»، ج ۱، ص ۴۳۹.

اشتیاق به پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی آزادشدن از خود پراکنده و اراده های مضطرب و رسیدن به مقام تمرکز و جامعیت، که مقام وحدت حقه حقیقه حقیقت محمّديه صلی الله علیه و آله است. انسان پراکنده که اراده های پراکنده دارد، مقامش، مقام خاکی است، پیامبر صلی الله علیه و آله که در مقام جامعیت نظر به حضرت احد دارند و قلب مبارکشان در تمرکز نسبت به آن حقیقت می باشد، اراده ایشان، اراده و انتخاب حقایق ثابت است و لذا مقامشان، مقام افلاکی است. حال اشتیاق به چنین مقامی و نظر به آن مقام از طریق صلوات، انسان خاکی را تبدیل به انسان افلاکی می کند. زیرا در راستای چنین صلواتی تمام عالم هستی از عرش تا فرش حجاب های بین او و حقایق را مرتفع می کنند و او را مشمول صلوات خود قرار می دهند. در روایت داریم؛ رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صِلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صِلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَتَّقَ رَطْبٌ وَ لَا يَابِسْ إِلَّا وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۱)

ابن عباس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که هر کس بر من صلوات بفرستد خداوند بر او هزار صلوات بفرستد، در هزار

ص: ۳۱

صف از ملائکه، و هیچ خشک و تری نیست مگر آن که به جهت صلوات خدا بر آن بنده، بر او صلوات بفرستند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام یک حقیقت اند

قبل از آن که بحث را ادامه دهم عنایت داشته باشید که پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام یک حقیقت هستند منتهی در مظاهر مختلف، و لذا به عنوان نمونه روایتی را خدمتتان عرض می کنم.

در احتجاجی که حضرت امام رضا علیه السلام با مخالفان امامت حضرت در مجلس هارون داشتند، آن حضرت می فرمایند:

فَقَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» وَقَدْ عَلِمَ الْمُعَانِدُونَ مِنْهُمْ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ تَقُولُونَ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (۱) فَهَلْ بَيْنَكُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فِي هَذَا خِلَافٌ قَالُوا لَا قَالَ الْمَأْمُونُ هَذَا مِمَّا لَا خِلَافَ فِيهِ أَصْلًا وَعَلَيْهِ

ص: ۳۲

۱- مسلم در صحیح خود روایتی در تأیید امر فوق آورده، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۰۵ نقل از طرائف از سیدبن طاووس و ترجمه داود الهامی.

الْإِجْمَاعُ فَهَلْ عِنْدَكَ فِي الْآلِ شَيْءٌ أَوْضَحَ مِنْ هَذَا فِي الْقُرْآنِ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعَمْ أَخْبِرُونِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» فَمَنْ عَنَى بِقَوْلِهِ «يَسَ» قَالَتِ الْعُلَمَاءُ «يَسَ» مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَشْكُ فِيهِ أَحَدٌ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْطَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَصْفِهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» وَقَالَ «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» وَقَالَ «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ» وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَ يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فِي مَعِيدِنِ النَّبُوَّةِ شَرْحَ هَذَا وَ بَيَانَهُ. (١)

امام رضا عليه السلام می فرماید: پس در رابطه با گفتار خداوند که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، معاندان چون این آیه نازل شد مقصد آن را دانستند ولی سؤال کردند یا رسول الله ما سلام بر تو را دانستیم ولی چگونه صلوات بر تو فرستیم؟ فرمود

ص: ۳۳

بگوئید «خدا یا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم به راستی تو حمید و مجیدی». سپس حضرت پرسیدند آیا ای گروه مردم! میان شما در این اختلافی است؟ گفتند نه. مأمون گفت در آن خلافتی نیست و مورد اجماع است. آیا نزد تو در باره «آل» چیزی واضح تر از این در قرآن هست ای ابو الحسن؟ حضرت فرمودند آری. سپس پرسیدند؛ به من خبر دهید از قول خدای عزوجل که می فرماید: «یس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» مقصود از «یس» کیست؟ علماء گفتند مقصود از آن محمد است و کسی در آن شك ندارد. امام رضا علیه السلام فرمودند پس خدا به محمد و آل محمد فضلی داده که احدی به کنه آن نرسد و این برای آن است که خدا بر کسی سلام نداده جز به پیغمبران و فرموده است «سلام بر نوح در عالمیان» و فرمود «سلام بر ابراهیم» و «سلام بر موسی و هرون». و نفرموده «سلام بر آل نوح» و «سلام بر آل موسی» و «بر آل ابراهیم»، ولی فرمود «سلام بر آل یاسین» یعنی آل محمد - پس معلوم است که برای آل محمد فضیلتی در نظر گرفته که برای آل هیچ پیامبری در نظر نگرفته - مأمون گفت دانستم که در معدن نبوت شرح و بیان آن موجود است.

در روایت فوق حضرت امام رضا علیه السلام علاوه بر استناد به روایت مربوطه در رابطه با این که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله باید همراه با صلوات بر آل او باشد، به آیه قرآن استناد می کنند که در کنار «یس» یعنی محمد صلی الله علیه و آله، آل او را آورده و بر هر دو سلام فرستاده، زیرا بین آن ها، دوگانگی نیست.

در راستای امر فوق رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ أَلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرِهِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ» (۱)

هر که بر من صلوات فرستد و بر آل من صلوات نفرستد بوی بهشت را که از مسافت پانصد سال بوئیده شود، نبوید.

صلوات؛ عامل وسعت جان

وقتی خدا و ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند، یعنی عالم هستی بر آن حضرت نظر دارند، و لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله نفسی وسیع و گسترده دارند که همه نعمت های عالم بر آن جان جاری است و پیروی از چنین پیامبری موجب گسترش نفس است در برابر نعمت های هستی و عامل قرار گرفتن انسان ذاکر صلوات در معرض فیض حق، است. به طوری که دنیا و آخرت

ص: ۳۵

نعمت هایشان را در اختیار او قرار می دهند تا او در ابعاد جسمی و روحی به فعلیت برسد. در روایت داریم که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرمودند:

«مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ أَوْ يُكَلِّمَ أَحَدًا «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ سَبْعِينَ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثِينَ فِي الْآخِرَةِ.

قَالَ قُلْتُ مَا مَعْنَى صَلَاةِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ صَلَاةِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ صَلَاةُ اللَّهِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ صَلَاةُ مَلَائِكَتِهِ تَرْكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ» (۱)

کسی که پس از نماز صبح و نماز مغرب قبل از این که پا به پا شود و یا سخنی بگوید، بگوید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ»؛ خداوند یک صد حاجت او را برآورده می سازد، هفتاد حاجت او را در دنیا و سی حاجت او را در آخرت.

ص: ۳۶

راوی می گوید پرسیدم: مراد از صلاه خدا و فرشتگان خدا و مؤمنان چیست؟! فرمود: صلاه خدا، رحمت خداست و صلاه فرشتگان خدا، به منزله ثنا و ستایش آن ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و صلاه مؤمنان، دعای آنان در حق اوست.

پس ملاحظه فرمودید که وقتی خدا و ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند، همه هستی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله است و همه فیض ها و رحمت ها و کمالات بر جان آن حضرت جاری است و نور خود را بر آن حضرت می نمایانند و لذا با صلوات بر آن حضرت و نزدیکی به جان مبارک او، آن نور به جان ذاکر صلوات تجلی می کند تا در دنیا و آخرت از هرگونه ظلماتی مصون باشد.

صلوات و نورانیت قبر و صراط و بهشت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَكثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ»^(۱). بر من بسیار درود بفرستید، زیرا درود فرستادن بر من، نوری در قبر و نوری بر صراط و نوری در بهشت است.

ص: ۳۷

۱- «الحکم الزاهره»، ترجمه انصاری، ص ۱۵۰۰.

این روایت راز و رمزهای بسیاری را می‌گشاید، زیرا قیامت باطن دنیا است، پس اگر کسی با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله در «قبر» و «صراط» و «بهشت» نورانی می‌گردد و افق‌های آن عوالم برایش روشن می‌شود که چنین انسانی در دنیا نیز با حقایق عالم مرتبط خواهد بود و حجاب‌های بین او و حقایق مرتفع می‌گردد و با باطنی نورانی در دنیا زندگی می‌کند. به امید روزی که بتوان به عمق این روایت دست یافت تا به عمق صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام دست یابیم.

مقام جامعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله

عرض شد نفس پیامبر صلی الله علیه و آله به وسعت هستی است و اشتیاق بر پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیکی به او به معنای نزدیک شدن به قلبی است که به وسعت هستی است، و این قلب انسان به اندازه‌ای که به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک شود، از رحمت کلیه موجودات هستی برخوردار می‌شود و از نور آن‌ها بهره‌مند می‌گردد. خوشا بر احوالات قلبی که با نظر صحیح و عارفانه بر پیامبر صلی الله علیه و آله احوالاتی از آن قلب قدسی را نصیب خود کرده است.

مقام پیامبر صلی الله علیه و آله مقام وجود جامعی است که همه اسماء الهی در آن مقام به جامعیت موجودند و لذا همچنان که

خود حضرت از عرش تا فرش وسعت دارد، زمینی بودن بشر را با عالم غیب الهی ترکیب می کند.

در مقام جامعیت، قبلیت و بعدیت معنی ندارد، همه قبلی ها و بعدی ها در آن مقام جمع اند، در نتیجه او وجهه تعادل بخش و هماهنگ کننده عالم هستی محسوب می شود.

ما نباید از موضوع مقام جامعیت پیامبر صلی الله علیه و آله به راحتی بگذریم و گرنه بسیاری از روایات برایمان مبهم می ماند، و نمی فهمیم وقتی مقامی در جامعیت اسماء الهی قرار گرفت و شدت وجود پیدا کرد، چرا ملائکه به او سجده می کنند و در خدمت صلوات فرستندگان به او قرار می گیرند. از طرف دیگر متوجه هستید که مقام دنیا، مقام کثرت و پراکندگی است و لذا علاوه بر قبل و بعد داشتن، طوری نیست که همه چیز در هر نقطه از آن جمع باشد، با توجه به این دو نکته است که عرض می شود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق رحمت محمّدیّه، انسان را از حقارت پست ضعیف مادون دنیایی، به وحدت ارزشمند الهی دعوت می کند و تسلیم شدگان به خود را به آن مقام می کشاند.

راوی می گوید: به ابو عبدالله صادق علیه السلام گفتم: من وارد خانه کعبه شدم و هر چه فکر کردم دعائی به خاطر نیامد جز صلوات بر محمد و آل محمد. ابو عبد الله گفت: این را بدان

که هیچ کس به جایزه ای پربهاتر از جایزه تو دست نیافته است. جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: هر کس نام مرا بشنود و از صلوات بر من تغافل نماید، خداوند او را از راه بهشت منحرف سازد» (۱).

راستی چرا حضرت صادق علیه السلام می فرمایند آن فردی که در خانه کعبه وارد شده و دعایی جز صلوات نکرده به پربهاترین بهره ها دست یافته است؟ آیا این بدان جهت نیست که نزدیکی به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیکی به حقیقت جامع اسماء الهیه است، مقامی که همه کمالات در جان مقدس او جمع است؟ و آیا این نزدیکی، نزدیکی به پربهاترین بهره ها نیست؟

مقام قدسی پیامبر صلی الله علیه و آله مقام جامعیت همه اسماء الهی است، زیرا از طرفی اسم «الله»، اسم جامع حضرت احد است و پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به دعوت به «الله» است و خداوند به او فرمان داده که؛ «قُلْ هِدِيهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ» (۲).

ای پیامبر! بگو این است راه من که از سر بصیرت دعوت به «الله» بکنم.

وقتی متوجه شدیم «الله» اسم جامع الهی است و پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به دعوت بشریت است به اسم «الله»، یعنی هر چه همه

ص: ۴۰

۱- «گزیده کافی»، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲- سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

پیامبران در مقام نبوت های طول تاریخ دارند و هر کدام وجهی از حقایق را به بشریت عرضه کرده اند، آن حضرت همه را دارند و همه حقیقت را به بشریت ارائه می دهند، حال نزدیکی به پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی نزدیکی به چنین مقام جامعی. البته و صد البته همان طور که عرض شد این به شرطی است که تمام مظاهر این مقام یعنی اهل بیت آن حضرت نیز مورد توجه باشد. زیرا خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ»؛ (۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بر من صلوات فرستد و بر آل من صلوات نفرستد بوی بهشت را که از مسافت پانصد سال بوئیده شود، نبوید. این بدین معنی است که آن مقام را باید در همه مظاهرش مورد نظر قرار داد تا به همه ابعاد آن مقام نزدیک شده باشیم.

با توجه به مقام جامعیت ذات قدسی پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ مانعی نمی تواند بین او و خالق او قرار گیرد، و هیچ چیزی نمی تواند حجاب بین او و مقصد اصلی هستی یعنی حضرت «الله» باشد و لذا وقتی تقاضایی از حضرت پروردگار در میان باشد اگر آن تقاضا در منظر نور محمدی صلی الله علیه و آله با خدا در میان گذارده شود

ص: ۴۱

بدون حجاب بالا می رود و پس زده نمی شود، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «... مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُفِعَتْ دَعْوَتُهُ»؛^(۱) هر کس صلوات بر پیامبر فرستد دعایش بلند شود.

و یا امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ».^(۲)

هر کس به درگاه خدای عزوجل حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آلش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم به صلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد، زیرا که خدای عزوجل کریم تر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد، و وسط دعا را واگذارد و به اجابت نرساند زیرا صلوات بر محمد و آل محمد از او محجوب نیست.

ص: ۴۲

۱- «بحار الأنوار»، الجامعه لدرر أخبار أئمة الأطهار، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

۲- «الكافي»، ج ۲، ص ۴۹۴.

در همین راستا آن حضرت می فرماید: «لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» (۱). پیوسته دعا محجوب است تا بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود.

و نیز می فرماید: «مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُفِعَ الدُّعَاءُ» (۲). هر که دعائی کند و نام پیغمبر را نبرد آن دعا بالای سرش (چون پرنده ای) بچرخد، و چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله را برد دعا بالا رود.

و نیز وقتی متوجه جایگاه مقام جامعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم می فهمیم چرا امام معصوم می فرمایند در میزان اعمال انسان هیچ چیز به وزن صلوات بر محمد و آل او نخواهد بود. روایت می فرماید:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَتَوْضَعُ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَزَجِحُ بِهِ» (۳).

ص: ۴۳

۱- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۱.

۲- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۴.

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق «علیهما السلام» حدیث کند که فرمود: در میزان چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک باشد، پس ثواب صلوات او درآید و آن را در میزان نهد پس به سبب آن سنگین گردد و بر کفه دیگر بچربد.

زیرا تمام اعمال اگر از منظر نور جامع محمدی انجام گیرد، حقانیت دیگری خواهد داشت و این در حالی است که در قیامت آنچه وزن دارد «حق» است و خدا فرمود: «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ»^(۱) در آن روز وزن و سنگینی مربوط به حق است. و با نظر به مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام اعمال انسان به عالی ترین شکل خود جهت می گیرد و لذا در نهایت حقانیت واقع می شود، و صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام موجب جهت گیری انسان به سوی آن ذوات مقدس حقانی در همه امور خواهد بود.

ص: ۴۴

شاید بتوان خصوصیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در جمع بندی در سه صفت «زهد» و «مجاهده» و «کرم» مد نظر قرار داد.

«زهد»؛ در مقام پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی حفظ حالت انس با خدا، و دوری از هر چیز که انس آن حضرت را با خدا قطع کند. پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق چنین زهدی دائماً توجه قلب خود را نسبت به حضور خداوند حفظ می کردند و قلب را در معرض تجلیات انوار الهی قرار می دادند و در مقام دائمی انس و خلوت با حق بودند و لذا هر چیزی که مانع چنین انس و ارتباطی بود، یا رهایش می کردند، یا تبدیلس می کردند به چیزی که سیمای الهی داشته باشد و نه عامل حجاب حق شود، مثل خوردن غذا؛ آن حضرت غذا می خوردند تا بتوانند بندگی خدا را بهتر انجام دهند، نه این که در سیره ایشان نفس غذا خوردن مقصد باشد. لذا وقتی می گوئیم مقام پیامبر صلی الله علیه و آله مقام زهد است، بدین معنی است که چیزی نمی تواند او را از خلوت با حق بازستاند، و به همین جهت تا آخر عمرشان شرایطشان طوری بود که باران پر نعمت «وَحی» همچنان بر قلبشان سرازیر بود. اگر ازدواج می کنند و همسر اختیار می کنند، ازدواج های قدسی دارند و در پرتو نور الهی وارد چنین اعمالی می شوند، و اگر هم بنا به

مصالح اجتماعی آن زمان صلاح اسلام است که از قبیله ای همسری انتخاب کنند و یا زن خاصی را به همسری اختیار کنند، و یا اگر سیاسی هم ازدواج می کنند، سیاست حضرت یک سیاست قدسی است و در راستای توسعه هرچه بیشتر اسلام در آن قبیله و آن خانواده، و نجات آن ها از آتش قیامت است. سیاست در مقام پیامبر صلی الله علیه و آله همان حالت قدسی را دارد که نماز و روزه دارد و به همین جهت هم عامل ادامه وحی به قلب مبارک آن حضرت می شود. اگر ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله مثل ازدواج آدم های عادی و با همان حال و هوای دنیایی بود، وحی الهی قطع می شد و ایشان هم یک آدم عادی می شدند. همین که وحی قطع نشده است، دلیل است که آن ازدواج ها الهی است و آن فعالیت ها حجاب ارتباط با عالم قدس نیست. پس اگر ازدواج های ایشان سیاسی است، این سیاست قدسی است و حجاب ارتباط با عالم قدس نمی گردد، و اگر از شمشیرشان در مقاتله با کفار خون می ریزد، این همان صفت قهاریت پروردگار است که از دست و بازوی ایشان ظاهر شده، به عبارت دیگر جان و جسم پیامبر صلی الله علیه و آله یک مدینه خداست روی زمین و یک لحظه از خدایی بودن جدا نیست.

صفت دیگری که پیامبر صلی الله علیه و آله دارا بودند «مجاهده» است. بدین معنی که ایشان در راه تحقق اراده خدا بر روی زمین در

هیچ جایی از پای ننشستند. نشاط دینی خود را با نپذیرفتن رفاه دنیایی، و همواره خانه به دوش بودن، برای حاکمیت اراده خدا، تحقق بخشیدند و حکم خدا را در جامعه گسترش دادند. و به واقع زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله سراسر چنین بود، در حدی که از طرف خدا آیه آمد ای پیامبر! «لَعَلَّكَ يَأْخُجُ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ (۱) نزدیک است خود را به هلاکت اندازی از این که می بینی مردم ایمان نمی آورند.

«مجاهده» با «فنا» همراه است و فنا به این معنا است که انسان خود را نبیند و خدا را ببیند، و برای تجلی انوار الهی هر حجاب و مانعی را در جان خود بر طرف کند، چه آن حجاب، حجاب خود انسان باشد، چه حجاب وجود مشرکین و کفار باشد. آنچه در مجاهده مطرح است تلاش برای تحقق اراده خداوند و نفی خود و خودیت است.

سومین صفتی که می توان برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شمرد، «کرم» است. «کرم» برای اهل ایمان، بهشت است، و برای پیامبر صلی الله علیه و آله، خداست. وقتی گفته می شود اهل ایمان کریم اند، بدین معنی است که خودشان را به چیز دیگری جز به بهشت نمی فروشند، و خود را هم سنگ چیز دیگری مثل دنیا و آنچه

ص: ۴۷

در دنیاست نمی کنند. ولی «کرم» برای پیامبر صلی الله علیه و آله به این معنی است که هیچ چیز - حتی بهشت - هم سنگ آن حضرت نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله در سیره خود به ما نشان دادند که مقامشان، مقامی است که حاضر نیستند خود را هم سنگ کینه ها نسبت به ابوسفیان ها کنند، اگر به ابوسفیان و امثال او می فرماید: «اذهبوا و انتم الطلقاء!» بروید، من شما را رها کردم، نشانه آن است که آن همه فشار و ستم و زشتی و پلشتی ابوسفیان و امثال او را نسبت به خود به چیزی نمی گیرند، چون کرم آن حضرت آنچنان است که چیزی را جز خدا هم سنگ خود نمی دانند و لذا در تمام حرکات و سکنات خود یک لحظه توجه جان را از حضرت حق به جایی دیگر معطوف نکردند و در همه چیز خدا را جستجو می نمودند.

هر کس را به آن اندازه که مظهر خداوند بود دوست می داشت و لذا زیر گلوی حسین علیه السلام را می بوسید، چون این گلو برای حاکمیت حق و نفی باطل بریده خواهد شد. همچنان که دست و لبان فاطمه علیها السلام را می بوسید چون این دست و بازو به خاطر دفاع از حق تازیانه خواهد خورد، و از این لب ها بزرگ ترین حق که همان دفاع از ولایت علی علیه السلام است جاری خواهد شد و نیز سر مبارک علی علیه السلام را می بوسید، چون این سر در جهت دفاع از حق شکافته می شود.

کرم رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچنان بزرگ و وزین است که در ترازوی چنین کرمی، کینه ورزی های ابوسفیانی مقدار ندارد تا بخواهد قلب خود را مشغول آن کند.

شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله از لحاظ اعمال دنیوی و روحانی معیاری است انسانی همراه با تعادل کامل. به گفته مولوی در خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله:

نه ملک بودی و نه خسته ز خاک

ای بشیر ما، بشر بودی و پاک

و در راستای چنین تعادلی، همراه با توجه قلبی به خدا است که می گوئیم؛ آن بزرگوار در مقام «تعادل» و «فنا» بود. «تعادل» در جمع کردن قوای انسانی، و «فنا» در مقابل خدا. تعادل در این که مثل بقیه انسان ها غذا می خورد و ازدواج می کند، و فنا در این که هیچ کدام از امور دنیایی او را از نظر به خدا منصرف نمی کرد. به گفته مولوی:

این یکی نقش اش نشسته در جهان

و آن دگر نقش اش چو مه در آسمان

این دها نش نکته گویان با جلیس

و آن دگر با حق به گفتار و انیس

پای ظاهر در صف مسجد صواف

پای معنی فوق گردون در طواف

شاخصه های شخصیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله

شاید بتوان صفات پیامبر صلی الله علیه و آله را با مثلی ترسیم کرد که در رأس آن «آرامش و صدق»، و در یک گوشه آن «کرم و شرف» و در گوشه دیگر «قدرت و قناعت» قرار دارد.

«آرامش و صدق» از آن جهت که اگر انسان مطمئن باشد همه چیز نزد خدا و در قبضه او است، و او مدبّر حکیم جهان است، از اضطراب نجات پیدا می کند و به آرامش می رسد، و اگر تمام وجود انسان را صدق و راستی فرا گیرد، و اساساً بنای بروز دروغ و پذیرش دروغ در جانش نباشد، همه چیز برای او روشن می شود. کسی که خودش را یا حقیقت را کج نکند و با چشم صدق و صادقانه به حقیقت نظر کند، حقیقت با او صادقانه برخورد می کند. مقام او، مقام کشف و شهود می شود.

بنابراین لازمه رسیدن به کشف و شهود و دیدن هر چیز آن طور که هست، بسته به دو چیز است: یکی این که انسان متوجه باشد همه چیز در اختیار خداست، و او مدبّری حکیم است، تا به آرامش برسد. و دیگر این که با خود و دیگران صادق باشد، تا صدق نصیبش شود، و این دو صفت به نحوی کامل و بارز در وجود اقدس پیامبر صلی الله علیه و آله نمایان بود.

سرمشق گرفتن از پیامبر صلی الله علیه و آله مستلزم نزدیکی به چنان بینش و چنین روشی است. یعنی هم متوجه باشیم همه چیز در قبضه خداوند حکیم است، و هم سعی کنیم با رشد دادن این عقیده و با تأسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله، آرامش و صدق را در شخصیت خود نهادینه کنیم و از این طریق بتوانیم در شهود محمدی صلی الله علیه و آله شرکت جویم.

قدرت و قناعت: از دیگر صفات مربوط به مثلث شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله «قدرت و قناعت» است. قدرت به معنی تسلط بر نفس؛ آن حضرت چنان بر میل های بشری خود مسلط بودند که هرگز هیچ میلی ایشان را به دنبال خود نمی برد، بلکه آن حضرت میل های بشری خود را جهت می دادند. اگر هوس ها انسان را به دنبال خود ببرد، انسان از جامعیت خارج می شود و به افراط و تفریط می افتد. ولی اگر هوس ها به نور توحید و بر اساس حکم خدا، در زیر چتر جامعیت روح انسانی قرار بگیرند، هر میلی در جای خود خواهد بود و در این صورت است که انسان به تعادل می رسد. کسی که تسلط بر میل ها ندارد، قدرت ندارد، و کسی که قدرت کنترل میل های بشری را ندارد، مظهر قدرت خدا نیست. کسی که اراده اش مظهر قدرت خدا نباشد و نتواند میل های خود را تسلیم حق کند، در عدم و پوچی به سر می برد، زیرا قدرت خدا یعنی وجود کل، و

کسی که قدرت به معنای حقیقی ندارد، یعنی به قدرت خدا و به وجود مطلق وصل نیست، او عملاً به همان اندازه وجود ندارد، و لذا در وهم و پوچی به سر می برد. انسانی هم که نخواهد بر نفس اماره خود تسلط و قدرت داشته باشد، نمی تواند به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک شود.

ما دو راه بیشتر نداریم: یا با توجه و تأسی به پیامبر صلی الله علیه و آله به اصل خود برگردیم، یا با برگشتن به اصل خود، عملاً به پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت کنیم. به عبارت دیگر یا نهیبی به جان خود بزنیم که نهایت کمال خود را چه می خواهی بگیری؟ در آن حال می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله برای جان ما آشناست و آن نهایت کمالی که در جستجوی آن هستیم شخصیتی به جز شخصیت جامع رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی تواند باشد. در نتیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیکی پیدا می کنیم و در واقع او را آشنای جان خود می یابیم. و یا نظر به پیامبر صلی الله علیه و آله می اندازیم می بینیم بهره ای از ایمان به آن حضرت در عمق جان ما هست، پس یا از خود به پیامبر صلی الله علیه و آله می رسیم و یا از پیامبر صلی الله علیه و آله به خود. حال در هر دو صورت نظر به مقام پیامبر صلی الله علیه و آله می کنیم، می بینیم مقام حضرت، مقام جمع کردن میل هاست، در نتیجه نظر به پیامبر صلی الله علیه و آله قدرت تسلط بر میل ها را به ما می دهد و موجب پیروی بیشتری نسبت به آن حضرت می گردد.

انسان‌هایی که اراده‌های آن‌ها از هوس‌هایشان آزاد نیست، در میان میل‌هایشان اسیرند و نمی‌توانند فوق‌میل‌ها تصمیم بگیرند، لذا میل‌ها برایشان تصمیم می‌گیرند، چنین کسانی اصلاً پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌را نمی‌فهمند و با افقی که آن حضرت در آن به سر می‌برند، هیچ‌آشنایی ندارند.

عرض شد یک گوشه از مثلث شخصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله «قدرت و قناعت» است، حال وقتی انسان با نور قدرت الهی بر میل‌های خود مسلط باشد، حتماً قناعت در زندگی برایش ظاهر می‌شود و لا-جرم انسان برای سیر به سوی حضرت پروردگار، از دنیا کمترین استفاده را می‌کند، تا از مقصد اصلی باز نماند. و در همین راستا بود که گفتیم «کرم» یکی از صفاتی است که در سرمشق گرفتن از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ضروری است، چون وقتی دنیا گذرگاه بود، از آن در حدی که بتوانیم بگذریم استفاده می‌کنیم و لذا روحیه کرم در جان انسان ظاهر می‌شود. زیرا همچنان که عرض شد؛ کرم یعنی خود را هم سنگ بقیه نکردن و خود را گرفتار حرف و قصه دیگران ننمودن، و عالم را از چشم الهی نگاه کردن، تا آنجایی که حتی عالم را هم سنگ خود ندانیم. کسی که عالم را هم سنگ خود بداند و مشغول آن شود از انوار غیب و وحی و الهام الهی محروم خواهد شد. ولی اگر کریمانه در حق دیگران نگاه کند، روح انسان گرفتار

حجاب ها و ستیزه ها نمی شود. چنین روحی به راحتی به سوی عالم غیب پر می کشد و سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را می فهمد، و با فهمیدن سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله او را نزدیک ترین شخصیت نسبت به خود احساس می کند و لذا با تمام وجود سعی می کند سایه به سایه آن حضرت حرکت کند.

فراموش نکنیم غیبی ترین حقیقت در عالم امکان، مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و لذا فرمود: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»^(۱) اولین مخلوقی که خداوند خلق کرد، نور من بود. و چقدر پر برکت است نزدیکی به این مقام منیع، شرایطی که فوق حجاب ها بتوان از آینه وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله، از انوار الهی بهره برد.

عرض شد ریشه آرامش و سکون رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان جهت است که حجاب اشیاء را پشت سر گذاشته و بدون واسطه، همه چیز را در قبضه حق می بینند و لذا دیگر هیچ اضطرابی برای آن حضرت نمی ماند و در این حال دنیا و سبب های دنیایی حجاب جانسان نمی شود که بخواهند امور را به اسباب لرزان نسبت دهند و از مسبب الاسباب باز بمانند. مقام «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ» از یک جهت به همین معنا است و لذا مقام

ص: ۵۴

قرآن که مقام قلب محمّدی صلی الله علیه و آله است، آمده است تا ما را از اصالت دادن به اسباب‌ها آزاد کند و بدون نفی اسباب و وسایل، متوجه باشیم همه آن‌ها با همه وجودشان در قبضه حق است. به گفته مولوی:

همچنین ز آغاز قرآن تا تمام

رفع اسباب است و علت والسلام

اصلاً قرآن آمده است به ما بگوید همه کاره هستی خدا است، و ابزارها ظهور اراده حق اند. به تعبیر شهید مطهری «رحمه الله علیه» نقش و تأثیر ابزارها، بسط فاعلیت خداوند است و از خودشان و برای خودشان فاعلیت ندارند. (۱) اگر انسان ابزارها و علت‌ها را این‌گونه دید مسلم به مقام آرامش می‌رسد و شرط این نوع نگاه، آزاد شدن از حجاب اسباب‌ها و ابزارها است. حال اگر کسی با توجه به حضور مطلق خداوند دل‌واپس داشتن و نداشتن ابزارهای لرزان نبود، به مقام آرامش خواهد رسید و چنین کسی پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌شناسد و جایگاه او را در عالم می‌فهمد و می‌تواند او را اُسوه خود قرار دهد و افقی را که او می‌نمایاند درک کند و با آن حضرت به سر برد.

ص: ۵۵

خداوند می فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ...»؛ (۱) پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنین به آنچه بر رسول خدا نازل شده ایمان آورده اند. به عبارت دیگر آن ها جایگاه و مقام وحی را می فهمند و در نتیجه به آن ایمان آورده اند، به این معنی که با قلب خود حقانیت آن را تصدیق کرده اند. خود پیامبر صلی الله علیه و آله به شعوری رسیده اند که آنچه را برایشان نازل می شود می فهمند و به آن ایمان می آورند. مؤمنین هم در آینه وجود اقدس پیامبر صلی الله علیه و آله مقام شعور فهم وحی پیامبری را پیدا کرده اند. البته هر کدام در مرتبه خودشان، عمده آن است که متوجه باشیم می شود در راستای ایمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به وحی دارند قرار گیریم و برایمان روشن شود راه ارتباط با قلب پیامبر صلی الله علیه و آله - که همان ایمان به وحی است - بسته نیست، و این ارتباط هم یک ارتباط تکوینی است و نه اعتباری، یعنی یک نوع اتحاد است با قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله در عین حفظ مراتب.

آری! قناعت در برابر دنیا به همان معنی که عرض شد، یکی از صفات پیامبر صلی الله علیه و آله است. این قناعت است که سبب مقام

ص: ۵۶

«الْفَقْرُ فَخْرِي» (۱) می شود، یعنی این قدر خدا را می خواهد که پیرو آن خداخواهی هیچ چیز دیگر را نمی خواهد و در واقع طالب یک نحوه فاصله گرفتن از دنیا است، و نداشتن دنیا را نردبانی قرار می داد برای بیشتر خواستن خدا. قناعت یعنی از دنیا کم خواستن، نه این که مال دنیا کم در اختیار من است، من هم به آن کم راضی هستم. شخص قانع چه در دریای امکانات دنیایی باشد، و چه در کویر نداشتن، در هر دو صورت از دنیا کم می خواهد، و فوق داشتن و نداشتن زندگی می کند. لذا تأکید ما این است که باید به نور رسول خدا صلی الله علیه و آله، نسبت به داشتن دنیا قانع شد تا بتوان به صفات پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک شد و وحی را شناخت و مفتخر به مقامی شد که قرآن در مورد آن می فرماید؛ «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...».

کرم و شرف : سومین زاویه از مثلث شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله «کرم و شرف» بود. پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه بودند به عنوان یک انسان، خداوند خطاب به ایشان فرموده: «... خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً...» (۲) همه عالم را برای شما انسان ها آفریدم، که برتر از دنیا و ما فيها هستند. و جدی گرفتن این توجه و شعور و خود را

ص: ۵۷

۱- «بحار الأنوار»، ج ۶۹، ص ۳۰.

۲- سوره بقره، آیه ۲۹.

گرفتار دنیانکردن، باعث شد که شایسته دریافت وحی الهی شوند.

یکی از بزرگان می گوید:

«وقتی خداوند دید که پیامبر صلی الله علیه و آله اولاً؛ برای خودش به ذاته هیچ چیزی قائل نیست، ثانیاً؛ دنیا را آن چیزی نمی داند که برای خود کسب کند و جذب آن شود، او را شایسته دید که اراده خود را از طریق وجود صاف و زلال ایشان به بشر برسد.»

پیامبر صلی الله علیه و آله برای خودش چیزی قائل نیست که بخواهد نظر خود را در اراده خدا داخل کند، برای غیر خدا هم چیزی قائل نیست که بخواهد آن ها را هم سنگ فرمان الهی قرار دهد، و لذا در مقام «کرم و شرف» قرار می گیرد.

رمزالموز شایستگی برای دریافت وحی آن است که حضرت نه تنها خود را هم سنگ کینه ورزی های ابوسفیان ندید، حتی کلّ دنیا را هم سنگ خود نمی بیند و لذا توجه جان خود را به عالم قدس و ملکوت می اندازد و از این طریق انسان زمینی آسمانی می گردد.

ای سراپا عقل خالص روح پاک

از چه جسمی زاده ای روحی فداک

توجه داشته باشید که هر کس به اندازه ای که خودش را قیمتی تر از دنیا دید، شرافت وجودی پیدا می کند و دیگر خودش را به دنیا نخواهد فروخت و به راحتی از دنیا و آنچه

ص: ۵۸

دنیایی است کریمانه می گذرد. چنین کسی است که شایسته می شود تا خدا او را بخرد، و قلب او را شایسته ابلاغ پیام خود به بشریت قرار دهد. و از این طرف هم هر کس به اندازه ای که به چنین شعوری از شرف و کرم رسید، جایگاه قرآن را می شناسد و اشارات آن را می فهمد، زیرا خطاب قرآن به آنهایی است که فهمیده اند قیمتی تر از آن هستند که هم سنگ دنیا باشند. می فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (۱) این کتاب بدون شک برای اهل تقوا که می خواهند آلوده دنیا نشوند راهنما است، و در واقع غذای جان آن ها است.

قرآن مقام ها و بطن ها دارد، هر کس به اندازه ای که با برتر دانستن خود از دنیا، معنوی شده است، از معنویت و بطن و مقام قرآن برخوردار می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله که مطلق معنویت در عالم امکان است، مطلق فهم و وحی را نصیبشان کرده اند.

هر کس به اندازه ای که شرافت وجودی دارد و کریمانه از هر آنچه دنیایی است می گذرد، به همان اندازه قلبش استعداد پذیرش حق را پیدا می کند و لذا از شعور برتر برخوردار می شود و از حیات و شعور حیوانی به حیات و شعور الهی

ص: ۵۹

منتقل می شود. به همین جهت خداوند می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...» (۱) ای مؤمنین که به دنبال حقایقی برتر از زندگی دنیایی هستید، دعوت خدا و رسول را اجابت کنید، آن گاه که شما را دعوت می کند تا زنده تان گرداند. زیرا:

غیر فهم و جان که در گاو و خر است

آدمی را فهم و جانی دیگر است

شرافت وجودی داشتن یعنی خود را به پستی ها نفروختن و قطب جان را به افقی بسیار بالاتر از ظاهر دنیا سوق دادن. شما بر جمال پر جلال محمدی صلی الله علیه و آله نگاه کنید، آن وقت می بینید که این جمال پر جلال اصلاً خودش را به چیزی کمتر از خدا نفروخت و ارزان هم نفروخت تا به بهشت راضی شود، و گرنه معراج نصیبش نمی شد. گفت:

من فدای آن که نفروشد وجود

جز به آن سلطان با احسان و جود

من فدای آن مس همت پرست

کو به غیر کیمیا نارد شکست

این شما و این سیره حضرت، سراسر وجودشان طلب عالی ترین حقیقت عالم یعنی «الله» است و برای به دست آوردن نور بی واسطه خداوند از هیچ کاری فروگذار نکردند.

ص: ۶۰

توجه به پیامبر صلی الله علیه و آله از زاویه فوق، در انتخاب دین و عمل به آن بسیار مهم است و همه حرف دین همین است که:

ای بلند نظر شاهباز سدره نشین

نشیمن تو نه این کنج محنت آبادست

تو را ز کنگره عرش می زنند صغیر

ندانمت که در این دامگه چه افتاد ست

آن هایی که خودشان را در مراتب پایین نمی پسندند و در نتیجه به دنیا نزدیک نشدند و هم سنگ دنیا نگشتند، دست به دامان نور محمدی صلی الله علیه و آله و وحی الهی که از سینه مبارک او بر بشریت جاری شد، می زنند. و رسول خدا صلی الله علیه و آله از این طریق باعث نجات انسان می شوند و شرافت وجودی انسان ها را به آن ها برمی گردانند، و از طریق این برگشت به شرافت وجودی، طریق توجه به حق شروع می شود.

آرامش و صدق: عرض شد یکی از زوایای مثلث شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، «آرامش و صدق» است. عنایت داشته باشید که پیامبر صلی الله علیه و آله مظهر صدق اند، صدق در برابر خدا، به طوری که وجود آن حضرت عین صدق است و هیچ نحوه وهم و کذبی در عقیده و عمل آن حضرت وجود ندارد، هم غیر واقعی بودن باطل را می بیند و هم حق بودن حق را می شناسد و هم عمل او مطابق واقعیت است. قرآن در توصیف این بُعد از شخصیت

حضرت می فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» (۱) او از سر میل خود هیچ سخنی نمی گوید، بلکه سراسر وجودش تابع وحی الهی است. تا آن جا که می فرماید: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ» (۲) قلب او آنچه را دید، دروغ ندید. چون از حجاب منیت آزاد است و لذا فقط به حق نظر دارد. حال از این طرف؛ اگر کسی در ابعاد عقیدتی و عملی به صدق نزدیک شود و سعی کند عقیده حقی پیدا کند که از وهم و گمان پاک باشد، و اعمالی مطابق با واقعیت داشته باشد، شایسته می شود که خداوند شوقی در او ایجاد کند تا پیامبر صلی الله علیه و آله را سرمشق خود قرار دهد، و گرنه چنانچه انسانی نه دغدغه غیر حق بودن عقایدش را داشته باشد و نه نگران غیر واقعی بودن اعمالش باشد، چگونه می تواند دست به دامن رسول خدا و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله بزند؟!

اگر انسان از صدق بی بهره شد عملاً چه بخواهد و چه نخواهد از پیامبر صلی الله علیه و آله که رحمه للعالمین است محروم شده است. لذا حضرت امام عسکری علیه السلام می فرمایند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكُذِبُ» (۳) همه پلیدی ها در خانه ای

ص: ۶۲

۱- سوره نجم، آیه ۳.

۲- سوره نجم، آیه ۱۱.

۳- «ترجمه جامع السعادات»، ج ۲، ص ۴۲۷. «بحار الأنوار»، ج ۶۹، ص ۲۶۳.

نهاده شده و کلید آن دروغ و عدم صداقت است. به همین جهت است که عرض می‌کنم هرچه از کذب فاصله بگیریم و به صدق نزدیک شویم، به حقایقی که تجسم عینی آن وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است نزدیک می‌شویم. باید با توجه به نور وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش کرد تا از صدق محروم نگردیم تا از رحمه للعالمین محروم نشویم. به اندازه‌ای که ملکه صدق سراسر وجودمان را فرا گرفت، از نور حضرت رحمه للعالمین بهره مندیم و این همان نزدیکی به کسی است که خدا و ملائکه بر او درود و صلوات می‌فرستند، کسی که کروبیان عالم قدس بر او نظر دارند و از انوارشان او را برخوردار می‌کنند. مقام رحمه للعالمین مقامی است که همه فیض‌های عالم اعلی بر جان او سرازیر است. حال به اندازه‌ای که انسان در تمام وجود صادق شد، به رحمه للعالمین - یعنی پیامبری که از یک طرف بستر قبول فیض از عالم قدس، و از طرف دیگر منشأ فیض‌های بزرگ و فیضان الهی به عالم هستی است - نزدیک می‌شود.

فراز اخیر را که مثلث شخصیت پیامبر بود به این صورت می‌توان جمع بندی کرد که:

الف: آرامش و صدق حضرت موجب اطمینان به مدیریت حق و عدم نگرانی از جریان‌های باطل می‌گردد و این نحوه

دیدن، دیدن راستینی است که هیچ حجابی نمی تواند آن حضرت را از حقیقت جدا کند و گرفتار و هم و منیت نماید.

ب: کرم و شرف آن حضرت موجب می شود تا نظر مبارک خود را از حق به چیز دیگری منحرف نکند و هیچ چیز را هم سنگ اُنس با خدا نداند و لذا برای هرچه بیشتر نزدیکی به خدا، از همه چیز کریمانه بگذرد.

ج: قدرت و قناعت آن حضرت موجب تسلط بر نفس اماره و میل های سرکش آن حضرت می شود و لذا برای نظر دائمی به حضرت حق به حداقل دنیا قناعت می کنند. زیرا اولاً؛ با تسلط بر نفس اماره، دیگر میل زیاده خواهی در میدان شخصیت آن حضرت حضوری ندارد. ثانیاً؛ آنچنان نور الهی جذاب و مطلوب است که دنیا در مقابل آن نور، نوری نخواهد داشت که نظر حضرت را به خود جلب کند.

سرمشق گرفتن از پیامبر صلی الله علیه و آله به این معنی است که حضرت را، راه زندگی و راه عبور از دنیا به سوی حقایق عالم بدانیم و صفات آن حضرت را مدّ نظر قرار دهیم تا این عبور امکان پذیر شود. همچنان که قبلاً عرض شد آنچه در شخصیت حضرت فوق العاده مهم است هماهنگی این صفات است، به طوری که او در عین بشربودن و برآورده کردن میل های بشری اش، این همه از دنیا به سوی عالم معنا سیر کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله؛ تعین توحید

صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام به معنی نظر به چنین شخصیتی است که موجب عبور انسان از همه کاستی ها و نقص ها به سوی کمال انسانی است تا بتواند با استقرار در آن کمال جامع، شایسته قرب به خدا شود.

امامان معصوم علیهم السلام تعین اسماء حسناى الهی

در روایتی سراسر رمز و راز وجود مقدس حضرت ثامن الأئمه علیه السلام راه بسیار با برکتی را نشان می دهند و می فرمایند:

«مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفَرُ بِهِ ذُنُوبُهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «التَّسْبِيحَ» وَ «التَّهْلِيلَ» وَ «التَّكْبِيرَ» (۱).

هر که توانا بر کفاره گناهانش نیست بسیار صلوات بر محمد و آل محمد فرستد که آن گناهان را منهدم نماید، آن هم انهدامی مطلق. و نیز فرمودند: صلوات بر محمد و آل محمد نزد خدای عزوجل برابر با «تسبیح» و «تهلیل» و «تکبیر» است.

ص: ۶۵

اگر به راستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام مجسمه کامل عصمت و پاکی از هر گناهی اند، چرا رویکرد به آن ها از طریق صلوات، سراسر گناهان را منهدم نکند؟ و از این مهم تر حضرت می فرمایند: صلوات بر محمد و آل محمد برابر است با «تسیح» و «تهلیل» و «تکبیر» پروردگار. یعنی وقتی نظر جان را به پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام انداختی آن ها را تجسم و تعین تسیح حق و سبحان الهی پروردگار می بینی و به عظمت حضرت رب پی میبری و نیز آن ها را نمایش یگانگی خدا می بینی که چگونه با تجلی توحید الهی بر جان آن ها، سراسر وجود آن ها در زیر نور یگانگی حق، به یگانگی و جامعیت رسیده، و نیز آن ها را نمایش کبریایی حق می یابی. این به یک اعتبار همان سخنی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره خود فرمودند: «وَمَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ»، (۱) هر کس مرا ببیند حق را دیده. آری! اگر کسی به دنبال توحید مجسم و متعین است باید نظر به جان مقدس اهل بیت علیهم السلام بیندازد. تا ببینی:

لطف شاهنشاہ جان بی وطن

چون اثر کرد ست اندر کل تن؟

لطف عقل خوش نهاد خوش نسب

چون همه تن را در آرد در ادب؟

عشق شنگ بی قرار بی سکون

چون در آرد کل تن را در جنون؟

ص: ۶۶

هماهنگی مطلق مربوط به ذات خداوند و حضرت «أحد» است که همه صفاتش عین ذاتش است، و در عین یگانگی همه کمالات را دارا است، به طوری که او هم «حی» است و هم «علیم» است و هم «قدیر» و... ولی در عین حال یگانه است، و همان طور که عرض شد صفاتش عین ذاتش است و لذا کمال مطلق است و ناقص نیست که بُعدی از او حی باشد و بُعد دیگرش علیم، به همین جهت أحد فقط خودش را می خواهد، چون غیر أحد، به هر اندازه که غیر اوست، کثیر است، و دارای یک نحوه نقص و فقدان است، و انسان نیز با هماهنگی کردن میل ها و قوای خود به نور شریعت الهی، شایسته قرب به حضرت أحد می شود. بنابراین هر کس که به احدیت وجودی خود دست پیدا نکرده و هر میلی او را به سویی می کشاند، شایسته قرب الهی نیست. مقام پیامبر صلی الله علیه و آله با هماهنگی آن صفات و احاطه بر امیال خود در شرایط احدیت انسانی هستند، به طوری که تمام فضائل مکمل یکدیگر را در جان خود به تعادل رسانده اند. و جایگاه شریعت محمدی برای چنین تعادلی است تا انسان ها به یگانگی شخصیت برسند و بتوانند به آن یگانه مطلق نزدیک شوند، چنین انسانی به نور محمدی صلی الله علیه و آله نسبت به احدیت ذاتی در شرایط قرب است.

به پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کنید! آن حضرت میل به غذا دارند، میل به همسر دارند، در عین حال در مقام ارتباط با خداوند قرار دارند، به طوری که وحی الهی بر قلب مبارک ایشان سرازیر می شود، و میل های غریزی ارتباط آن حضرت را با عالم غیب مختل نکرده است. چون همه این میل ها در مقام یگانه قرار گرفته اند و لذا هر میلی جای خودش است و هیچ میلی به افراط نرفته تا میل دیگری به تفریط برود و این نهایت کمال برای مخلوق است. آری! انسان کامل همه میل های طبیعی اش در زیر نور احدی شخصیتش مقهور است. مقام جامع پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی مقامی که تمام تمایلاتشان و تمام فضائلشان در یک هماهنگی کامل و در پناه ذات احدی قرار گرفته است، به طوری که آن حضرت همه میل هایی که یک انسان باید داشته باشد را دارند و هیچ کدام را هم سرکوب نکرده اند، ولی چون نظر به حضرت احد دارند، این میل ها ایشان را از وحدت شخصیت خارج نمی کند. و لذا راهی شدند تا اگر انسان می خواهد به وحدت شخصیت برسد آن حضرت را مدّ نظر قرار دهد.

صلوات مکرر بر پیامبر صلی الله علیه و آله به این معنی است که دائماً آن حضرت را مدّ نظر قرار دهیم. در همین راستا حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فَأَكْتَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكُمْ» «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا»^(۱) بر پیامبر زیاد صلوات بفرستید، زیرا که خداوند و ملائکه بر او صلوات می فرستند، پس ای مؤمنین شما هم بر او صلوات بفرستید و تسلیم او شوید.

و نیز از حضرت صادق داریم که: إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَآلِهِ صِلَاءً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صِلَاءٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ لَصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَصَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ وَ لَا يَزْغُبُ عَنْ هَذَا إِلَّا جَاهِلٌ مَعْرُورٌ وَقَدْ بَرِيَ اللَّهُ مِنْهُ وَرَسُولُهُ^(۲).

آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شود و از او نامی برده شود، بر او بسیار صلوات فرستید، زیرا به راستی، هر که بر پیامبر صلی الله علیه و آله یک بار صلوات فرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشتگان بر او درود فرستد و هیچ آفریده ای باقی نمی ماند جز آن که به سبب درود خدا و فرشتگان بر آن بنده، بر او درود فرستند و هیچ کس از صلوات فرستادن رو برنتابد جز نادان گمراهی که خدا و پیامبرش از او بیزارند.

ص: ۶۹

۱- «امالی شیخ صدوق»، ص ۳۲۱.

۲- «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، ص ۱۵۴.

آخر حدیث می فرماید از صلوات بر پیامبر روی بر نمی تابد مگر نادان گمراهی که خدا و پیامبرش از او بیزارند. زیرا کسی که آن حضرت را به عنوان اُسوه خود انتخاب نکرد چگونه می تواند با وجود امیال سرکش به وحدت شخصیت برسد؟ لذا می فرماید زیاد صلوات بفرستید تا آن حضرت و آل او قبله محبت جان شما باشند، و بتوانید تماماً تسلیم فرمان شریعت الهی باشید و از جامعیت شخصیت که شرط قرب به نظام احدی است بهره مند گردید.

راه نجات از نفاق

از عظمت های توجه به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله این است که آن حضرت بشری است که متوجه ذات احدی شده است. بشر در موطن بشری اش گرفتار کثرت ها است و لازمه توجه به ذات احدی آسوده شدن از کثرت ها و فانی شدن در وحدت است، و جمع این دو حالت متضاد بسیار بسیار مهم است، به طوری که اگر نمونه عینی آن را نمی شناختیم می گفتیم غیر ممکن است. پس عنایت بفرمایید که پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی انسان خاکی که به واسطه نظر به ذات احدی، افلاکی شده است.

جنس عالم ماده حرکت و تضاد است و لذا شتاب و اضطراب لازمه نظام مادی است و بر این اساس است که عرض

می‌کنم؛ از نشانه‌های احدی شدن آن وجود مقدس این که آن نفس از «آرامش و صدق» و «کرم و شرف» و «قدرت و قناعت»، به نحو کامل برخوردار است. این صفات نشان می‌دهد قلب آن حضرت در دنیا پراکنده نیست و در عین زندگی در عالم کثرات، از کثرت آزاد است و با صداقت در علم و عمل از همه ناهماهنگی‌ها با عالم کثرات نجات یافته و آنچنان در این صفات پایدار شده که هیچ حادثه‌ای او را از آن فضائل خارج نمی‌کند، و این نشان می‌دهد که به مرکز اصلی یگانگی یعنی ذات احدی متصل است، در غیر این صورت اگر این صفات در رفتار او تصنعی بود بالاخره حادثه‌ها او را از جا به در می‌برد و برای یک مرتبه هم که شده چیزی خلاف آن صفات از او سر می‌زد. به همین جهت است که به ما نیز دستور داده اند از طریق صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام روح خود را از نفاق یا دوگانگی بین ادعا و باور آزاد کنید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ».^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صداهای خود را به صلوات بر من بلند کنید، زیرا که نفاق را برطرف می‌سازد. می‌فرماید با

ص: ۷۱

صدای بلند بر آن حضرت صلوات بفرست تا جهت گیری شخصیت اجتماعی ات نیز به سوی آن حضرت سیر کند و در درون و بیرون وجودت، ارادت به آن حضرت نهادینه گردد و دیگر بین عقیده و عمل شما تضادی نباشد، و به عبارت دیگر نقص دینداری شما برطرف شود.

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پرداخت زکات فطره، متمم روزه است. مانند صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله که سبب تمامیت نماز است. (۱)

پس وقتی نقص نماز با صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام مرتفع می شود، نفس صلوات و توجه به مقام دینداری مجسم، یعنی توجه به پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام موجب از بین رفتن نفاق می گردد و می فرمایند صلوات را بلند اداء کنید تا شخصیت اجتماعی شما به عنوان انسانی که وفادار به خاندان عصمت و طهارت است تثبیت گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله؛ گمشده جان انسان ها

هر کس که پیامبر صلی الله علیه و آله را بخواند و نظر به آن حضرت بکند، حضرت را می یابد چون حقیقت وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله در جان هر انسانی کاشته شده است و در واقع با توجه به پیامبر و

ص: ۷۲

فضائل آن حضرت یک نحوه یادآوری برای ما پیش می آید. به گفته حافظ:

آشنایی نه غریب است که دل سوز من است

چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت

عمده آن است که متوجه باشیم تا پای خودبینی ها و منیت ها در میان است آن آشنای جان ظاهر نمی شود، ولی اگر به جای نظر به خود، نظر را متوجه وجود نوری پیامبر صلی الله علیه و آله کردیم و موجب جلب نظر مبارک آن حضرت شدیم، نظر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله به جان هر انسان موجب به خودآمدن او خواهد شد. نظر کردن آن حضرت به جان هر کس یعنی بازگشت شرافت به انسان و این که او وارد عالم صداقت گردد، زیرا با توجه به فطرت نورانی هر انسانی اگر جان انسان در تصرف آن شریف قرار گرفت، شریف می شود و اگر در تصرف قدرت محمدی صلی الله علیه و آله قرار گرفت، قدرت تسلط بر نفس اماره را می یابد و عملاً به گمشده خود دست رسی پیدا می کند. کافی است که حضرت را بخواهی و به او نظر کنی، آنگاه او نظر به تو می کند و با نظر مبارک او خود را می یابی.

در چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو

به هواداری آن عارض و قامت برخاست

ص: ۷۳

جایگاه زن در منظر پیامبر صلی الله علیه و آله

روش پیامبر صلی الله علیه و آله در قبال غذا و خواب «قناعت» است و شیوه ایشان در برابر زنان «کرامت» است، همان نگاهی که خدا به انسان ها دارد، پیامبر صلی الله علیه و آله هم همان نگاه را دارند. شیطان و انسان های شیطانی بر زنان نظری پست دارند و برعکس نظر آن ها؛ نظر پیامبر صلی الله علیه و آله است، که نظر خاصی بر نساء دارند. این نظر همان نظر کریمانه ای است که خداوند بر همه انسان ها دارد، محترم شمردن آن نوع از انسان که مادر همه انسان ها است، انسانی از جنس زن. زن به این اعتبار تشابه به حق دارد، خداوند از یک زاویه منشأ عالم و امّ هستی است، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از زاویه دیگری انگیزه خلقت عالم و امّ هستی می باشد و زنان هم از نظر مسیر خلقت انسان ها ظهور امّیت الهی در هستی می باشند، همه انسان ها از زنان هستند و کرامت انسان به کرامت زنان است. از این جاست که می بینید پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«حُبِّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ، النِّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^(۱)

برای من پسندیده شده از دنیا سه چیز: زنان، و بوی خوش، و نور چشم من در نماز است». این نگاه کجا و نگاه آلوده

ص: ۷۴

۱- «بحار الأنوار»، ج ۷۳، ص ۱۴۱.

امروز دنیا به زنان کجا؟ به اسم احترام به زنان آن‌ها را بازی می‌دهند و هسته توحیدی خانواده را مضمحل می‌کنند، تا دیگر نه زن، زن باشد و نه مرد، مرد. در حالی که تمام دستورات اسلام در مورد زنان در راستای حفظ کرامت آنان است. (۱)

قلبتان را در معرض شوق به پیامبر صلی الله علیه و آله قرار بدهید، مثل چشمی است که در معرض نور قرار داده اید، دیگر لازم نیست به نور بگویید که بدرخشید، چراکه جنس نور، درخشیدن است. پیامبر صلی الله علیه و آله مقام «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (۲) است، و خداوند به آن حضرت خطاب فرمود: اگر تو نبود، افلاک را نمی‌آفریدم؛ به این معنی که خداوند در خلقت عالم نظر به نور پیامبر صلی الله علیه و آله داشت و بر اساس ظهور مقدس او عالم ایجاد شد تا بستر ظهور نور رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، لذا نور وجود مقدس حضرت است که به تمام موجودات معنی می‌دهد و جایگاه هر چیزی را تعیین می‌کند. در تجربه نیز مشخص شده هر اندازه که انسان‌ها از آن حضرت فاصله بگیرند گرفتار پوچی و افسردگی و بی‌هویتی می‌شوند، و عملاً معنی خود را گم می‌کنند. حال اگر به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر کنید، بر جانتان

ص: ۷۵

۱- به نوشتار «عوامل بحران خانواده و راه نجات از آن» رجوع شود.

۲- «بحار الأنوار»، ج ۱۶، ص ۴۰۵.

نور می افشاند و راه رسیدن به نقطه کمال را می نمایاند و رعایت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله وسیله جذب آن نور مبارک است. شریعت اسلام آمده است تا ما را به مقام تعادل احدی محمدی صلی الله علیه و آله نزدیک کند و از این طریق به همه زندگی ما معنی ببخشد.

شریعت اسلام را باید با این منظر نگاه کرد تا علاوه بر تخلق به فضائل آن حضرت به قلبشان نیز نزدیک شویم و به زندگی خود و به فلسفه وجودی عالم معنی ببخشیم، به خصوص در زمانی که جهان از پوچی و بی معنایی در رنج است.

چون در هنگام ذکر صلوات لازم است ذات مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام را مدّ نظر داشته باشیم، بدان جهت با نقل روایتی در اوصاف آن حضرت، بحث خود را تمام می کنیم و سپس به پرسش هایی که عزیزان فرموده اند، می پردازیم.

سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله

گفت:

این دهان بر بند از هزل ای عمو

جز حدیث روی او چیزی مگو

ص: ۷۶

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ «عليهما السلام» سَأَلْتُ خَالِي هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ عَنْ حَلِيَّتِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ وَصَافًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ:

در کتاب عیون اخبار الرضا؛ امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار خود، از امام مجتبی علیه السلام نقل کردند که آن حضرت چنین فرمود: از دانی ام هند بن ابی هاله که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خوب وصف می نمود در باره اوصاف و شمائل آن حضرت سؤال کردم، او چنین گفت:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخْمًا مُفَخَّمًا يَتَلَأَأُ وَجْهَهُ تَلَأُ الْقَمَرِ لَيْلَهُ الْبَدْرُ أَطْوَلَ مِنَ الْمَرْبُوعِ وَأَقْصَرَ مِنَ الْمَشْدَبِ عَظِيمِ الْهَامَةِ رَجَلَ الشَّعْرِ إِذَا انْفَرَقَتْ عَقِيقَتُهُ فَرَقَ وَإِلَّا فَلَا يُجَاوِزُ شَعْرُهُ شَحْمَهُ أُذُنَيْهِ إِذَا هُوَ وَفَرُهُ أَزْهَرَ اللَّوْنِ وَاسِعَ الْجَبِينِ أَرْجَحَ الْحَاجِبِينَ سَوَابِغَ فِي غَيْرِ قَرْنٍ بَيْنَهُمَا عِزُّ يُدْرُهُ الْعُضْبُ أَقْنَى الْعُرَيْنِ لَهُ نُورٌ يَغْلُوهُ يَحْسِبُهُ مَنْ لَمْ يَتَأَمَّلْهُ أَشَمَّ كَثَّ اللَّحْيَةِ سَيْهَلُ الْخَدَّيْنِ ضَلِيعُ الْفَمِ أَشْنَبُ مُفْلَجِ الْأَسْنَانِ دَقِيقُ الْمَسِيرِ بِهِ كَأَنَّ عُنُقَهُ جِيدٌ دُمِيهِ فِي صَفَاءِ الْفِضَّةِ مُعْتَدِلُ الْخَلْقِ بَادِنًا مُتَمَاسِكًا سَوَاءَ الْبُطْنِ وَالصَّدْرِ بَعِيدًا مَا بَيْنَ الْمُنْكَبَيْنِ ضَخْمُ الْكَرَادِيسِ أَنْوَرُ الْمُتَجَرِّدِ مَوْصُولٌ مَا بَيْنَ اللَّبَّةِ وَالسَّرَّةِ بِشَعْرٍ يَجْرِي كَالْخَطِّ عَارِي الثَّدْيَيْنِ وَالْبُطْنِ وَمَا

سوى

ص: ٧٧

ذَلِكَ أَشْعَرَ الذَّرَاعَيْنِ وَ الْمُنْكَبَيْنِ وَ أَعَالِي الصَّدْرِ طَوِيلَ الرَّئِدَيْنِ رَحْبَ الرَّاحَةِ شَتْنَ الْكَفَيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ سَائِلَ الْأَطْرَافِ سَبِطَ الْعَصَبِ
خُمْصَانَ الْأَخْمَصَيْنِ فَسِيحَ الْقَدَمَيْنِ يَنْبُو عَنْهُمَا الْمَاءُ.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار با هیبت بودند، چهره ایشان همچون ماه شب چهاردهم می درخشید، با قدی بلندتر از افراد متوسط القامه و کوتاه تر از افراد لاغر و بلند قامت، و دارای سری بزرگ بود، موهای آن حضرت نه خیلی مجعد بود و نه کاملاً صاف و نرم، اگر قسمت بافته موهای ایشان باز می شد، حضرت فرق باز می کردند و الا آن را به حال خود گذاشته و در هر حال در مواقعی که موی خود را بلند می کردند بلندی مو از لاله گوش تجاوز نمی کرد، رنگشان درخشان بود، پیشانی پهن و ابروانی کشیده و کمانی داشتند، و ابروان آن حضرت در عین کشیده بودن، کامل و پر مو بود ولی پیوسته نبود، و هر گاه عصبانی می شدند، رگ میان ابروهایشان متورم می شد، بینی آن حضرت باریک و در وسط کمی برجسته بود، نورانی داشتند که همیشه آن حضرت را در بر داشت، به قسمی که کسی که در او تأمل نداشت متکبرش فکر می کرد.

محاسن آن حضرت کوتاه و پر پشت بود، و گونه هایشان هموار و کم گوشت، دهانشان بزرگ و دندان هایشان سفید و

بَرّاق بود، رشته موئی نازک از گردن یا سینه تا ناف داشتند، گردن او گوئی تنگی نقره فام بود.

خلقتی همگون داشتند، بدنشان فربه بود و در عین حال سینه و شکم در یک سطح قرار داشت، شانه هایی پهن و عضلانی و بدنی سفید و نورانی داشتند.

از زیر گردن آن حضرت تا ناف، رشته موئی نازک مثل یک خط قرار داشت، پایین سینه و شکم مبارک ایشان و سایر قسمت ها عاری از مو بود، و درمقابل، ساعد، شانه ها، و بالای سینه شان پر مو بود، ساق دستشان کشیده، کف دستشان درشت و دست ها و پاهای مبارکشان زبر بود، دست و پاهایشان متناسب و استخوان هایشان صاف و بدون کجی بود.

کف پاهایشان کاملاً گود بود، قسمت قوزک پا به پایین (که معمولاً داخل کفش قرار می گیرد) خیلی پر گوشت نبود، و آب از روی پایش ردّ می شد و نمی ایستاد.

چگونگی راه رفتن و نظر کردن حضرت صلی الله علیه و آله

إِذَا زَالَ زَالَ تَقْلَعًا يَخْطُو تَكْفِيًّا وَ يَمْشِي هَوْنًا ذَرِيْعَ الْمَشِيهِ إِذَا مَشَى كَأَنَّمَا يَنْحَطُّ مِنْ صَبَبٍ وَإِذَا التَّفَتَ التَّفَتَ جَمِيعًا خَافِضَ

الطَّرْفِ نَظْرُهُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْوَلُ مِنْ نَظْرِهِ إِلَى السَّمَاءِ جَلَّ نَظْرُهُ الْمَلَاخِظَهُ يَبْدُرُ مَنْ لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ.

وقتی به حرکت درمی آمدند با قدرت قدم بر می داشتند، در حال حرکت کمی متمایل حرکت می کردند، با وقار و سریع راه می رفتند، گویا در سرازیری به سمت پایین در حرکتند، هنگامی که به چپ و راست رو می کردند با تمام بدن به آن سو رو می کردند، چشمانشان به زیر افتاده بود و نگاهشان به زمین طولانی تر از نگاهشان به آسمان بود، معمولاً خیره خیره نگاه نمی کردند، به هر کس می رسیدند، سلام می کردند.

چگونگی برخورد آن حضرت صلی الله علیه و آله

قَالَ قُلْتُ صِفْ لِي مَنَاطِقَهُ فَقَالَ كَمَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُتَوَاصِلَ الْأَخْرَانِ دَائِمَ الْفِكْرِ لَيْسَتْ لَهُ رَاحَةٌ وَ لَا يَتَكَلَّمُ فِي غَيْرِ حَاجَةٍ يَفْتَتِحُ الْكَلَامَ وَ يَخْتِمُهُ بِأَشْدَاقِهِ يَتَكَلَّمُ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ فَضِيلاً لِمَا فُضُولَ فِيهِ وَ لِمَا تَقْصِرُ يَرِ دَمِثًا لَيْسَ بِالْجَافِي وَ لَا بِالْمَهِينِ تَعْظُمُ عِنْدَهُ النُّعْمَةُ وَ إِنْ دَقَّتْ لَا يَذُمُّ مِنْهَا شَيْئاً غَيْرَ أَنَّهُ كَانَ لَا يَذُمُّ ذَوْاقاً وَ لَا يَمْدَحُهُ وَ لَا تُغْضِبُهُ الدُّنْيَا وَ مَا كَانَ لَهَا فَإِذَا تُعْطِيَ الْحَقُّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَقُمْ لِعُضْبِهِ شَيْءٌ حَتَّى يُنْتَصِرَ لَهُ وَ إِذَا أَشَارَ أَشَارَ بِكَفِّهِ كُلِّهَا وَ إِذَا تَعَجَّبَ قَلْبَهَا وَ إِذَا تَحَدَّثَ قَارَبَ يَدَهُ الْيُمْنَى مِنَ الْيُسْرَى فَضَرَبَ

يَا أَيُّهَا الْمَيِّمِيُّ رَاحَةَ الْيُسْرَى وَإِذَا غَضِبَ أَعْرَضَ بِوَجْهِهِ وَأَشَاحَ وَإِذَا فَرِحَ غَضَّ طَرْفَهُ حِيلَ ضَمَّ حُكِّهِ التَّبَسُّمُ يَفْتَرُّ عَنْ مِثْلِ حَبِّ
الْغَمَامِ.

امام حسن علیه السلام در ادامه می فرمایند: به او گفتم؛ گفتار آن حضرت را برایم وصف کن. گفت:

آن حضرت پیوسته محزون و همیشه در فکر بودند، آسایش و راحتی نداشتند، در جایی که نیاز نبود سخن نمی گفتند. گفتارشان سنجیده و کامل بود، نه زیاده سخن می گفتند و نه کم، کلامشان متین بود، زشت و سبک صحبت نمی کردند، نعمت و محبت دیگران هر چند کم، در نظرشان بزرگ بود و چیزی از آن را مذمت نمی کردند، از طعم غذا، نه تعریف می کردند و نه اظهار ناراحتی می کردند، دنیا آن حضرت را عصبانی نمی کرد، و وقتی پای حق در میان بود کسی ایشان را نمی شناخت و چیزی در مقابل غضبشان تاب مقاومت نداشت تا این که حق را پیروز گردانند، برای اشاره کردن با تمام دست اشاره می کردند و در هنگام تعجب دست خود را برمی گردانند، و در هنگام صحبت دست راست را به دست چپ نزدیک کرده و با شست راست خود به کف دست چپ می زدند، و در هنگام غضب چهره خود را با ناراحتی برمی گردانند، و در هنگام خوشحالی، چشم به زیر

می انداختند، بیشتر خنده شان تبسم بود، بسیار زیبا لبخند می زدند و در هنگام خنده دندان های سفیدشان هویدا می شد.

قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَتَمْتُ هَذَا الْخَبَرَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَمَانًا ثُمَّ حَدَّثْتُهُ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَبَقَنِي إِلَيْهِ وَ سَأَلَهُ عَمَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَأَلَ أَبَاهُ عَنْ مَدْخَلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَخْرَجِهِ وَ مَجْلِسِهِ وَ شَكْلِهِ فَلَمْ يَدَعْ مِنْهُ شَيْئًا.

امام حسن علیه السلام فرمودند: این حدیث را مدتی از حسین علیه السلام پنهان داشتم، سپس به او گفتم و دیدم قبل از من او از جنابین ابی هاله سؤال کرده است، و نیز متوجه شدم آن بزرگوار از پدر خویش در باره ورود و خروج و نشستن و شکل و سیمای آن حضرت سؤال کرده و چیزی باقی نگذارده بود.

وضع حضرت صلی الله علیه و آله در خانه

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَدْخَلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ كَانَ دُخُولُهُ لِنَفْسِهِ مَأْذُونًا لَهُ فِي ذَلِكَ فَإِذَا أَوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَأً دُخُولُهُ ثَلَاثَةً أَجْزَاءٍ جُزْءٌ لِلَّهِ تَعَالَى وَ جُزْءٌ لِأَهْلِهِ وَ جُزْءٌ لِنَفْسِهِ ثُمَّ جُزْءٌ لِبَيْنِهِ وَ بَيْنَ النَّاسِ فَيُرَدُّ ذَلِكَ بِالْخَاصَّةِ عَلَى الْعِيَامَةِ وَ لَمَّا يَدْخُرُ عَنْهُمْ مِنْهُ شَيْئًا وَ كَانَ مِنْ سَيْرَتِهِ فِي جُزْءِ الْأُمَّةِ إِثَارُ أَهْلِ الْفَضْلِ بِإِذْنِهِ وَ قَسَمَهُ عَلَى قَمَدٍ فَضْلِهِمْ فِي الدِّينِ فَمِنْهُمْ ذُو

الْحَاجِهَ وَ مِنْهُمْ ذُو الْحَاجَتَيْنِ وَ مِنْهُمْ ذُو الْحَوَائِجِ فَيَتَشَاغَلُ وَ يَشْغَلُهُمْ فِيمَا أَضِلَّحَهُمْ وَ أَضِلَّحَ الْأُمَّةَ مِنْ مَسْأَلَتِهِ عَنْهُمْ وَ إِخْبَارِهِمْ بِالَّذِي يَتَّبِعِي وَ يَقُولُ لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَ أُبَلِّغُونِي حَاجَهَ مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِبْلَاحِ حَاجَتِهِ فَإِنَّهُ مَنْ أُبَلِّغَ سُلْطَانًا حَاجَهَ مَنْ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِبْلَاحِهَا تَبَّتْ اللَّهُ قَدَمَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَذْكَرُ عِنْدَهُ إِلَّا ذَلِكَ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِهِ يَدْخُلُونَ رُؤَادًا وَ لَا يَفْتَرِقُونَ إِلَّا عَنْ دَوَاقٍ وَ يَخْرُجُونَ أَدِلَّةً فَفَقَّهَاءَ.

امام حسین علیه السلام فرمودند: از پدرم علیه السلام در باره نحوه ورود حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال کردم، پدرم فرمودند:

در موقع ورود آن حضرت به خانه خود از کسی اذن حاصل نمی نمود، ولیکن در موقع ورود به خانه غیر خود اذن می گرفت. وقتی به منزل می رفتند وقت خود را سه قسمت می کردند، یک قسمت برای خداوند جل جلاله و یک قسمت برای خانواده و یک قسمت نیز برای خود، سپس قسمت خود را بین خود و مردم تقسیم می کردند، و اول خواص وارد می شدند و پس از آن سایر مردم و چیزی از آن را نسبت به ایشان دریغ نمی فرمود، و در مورد قسمت امت، روش آن بزرگوار این گونه بود که اهل فضل را با اجازه دادن به آن ها به اندازه فضلشان در دین، بر دیگران ترجیح می دادند.

بعضی از آنان، یک حاجت داشتند، بعضی دو حاجت و بعضی بیشتر، پس به آن ها می پرداختند و آنان را نیز- به آنچه که باعث اصلاحشان و اصلاح امت بود، از جمله با جویاشدن از احوالشان و نیز گفتن مطالب لازم- مشغول می کردند. و می فرمودند: افراد حاضر به افراد غائب ابلاغ کنند و هر کس به من دسترسی ندارد، حاجتش را به من برسانید، زیرا هر کس نیاز نیازمندی را که خود قادر نیست نیاز خود را به حاکم برساند، در نزد حاکم مطرح نمایید، خداوند او را در قیامت ثابت قدم خواهد فرمود.

در نزد آن حضرت فقط همین مطالب مطرح می شد و از هیچ کس چیزی جز این ها قبول نمی فرمود، مردم بر حضرتش وارد می شدند و با دست پر و دین شناس و قادر به هدایت دیگران خارج می شدند.

وضع حضرت صلی الله علیه و آله در بیرون خانه

فَسَيَأْتِيَهُ عَنْ مَخْرَجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ كَانَ يَضِيغُ فِيهِ فَقَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْزُنُ لِسَانَهُ إِلَّا عَمَّا يَعْنِيهِ وَيُؤَلِّفُهُمْ وَ لَمَّا يَنْفَرُهُمْ وَيُكْرِمُ كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ وَيُؤَلِّيهُ عَلَيْهِمْ وَيَحْذِرُ النَّاسَ وَيَحْتَرِسُ مِنْهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَطْوِيَ عَنْ أَحَدٍ بَشْرَهُ وَلَا خُلُقَهُ وَيَتَفَقَّدُ أَصْحَابَهُ وَيَسْأَلُ النَّاسَ عَمَّا فِي النَّاسِ وَيُحَسِّنُ الْحَسَنَ وَيَقْوِيهِ

وَيَتَّبِعِ الْقَبِيحَ وَيُوهِنُهُ مُعْتَدِلَ الْأَمْرِ غَيْرَ مُخْتَلِفٍ لَّا يَغْفُلُ مَخَافَهُ أَنْ يَغْفُلُوا أَوْ يَمِيلُوا وَلَا يَقْضِرُ عَنِ الْحَقِّ وَلَا يَجُوزُهُ الَّذِينَ يَلُونَهُ مِنَ النَّاسِ خِيَارُهُمْ أَفْضَلُهُمْ عِنْدَهُ وَأَعْمُهُمْ نَصِيحَتُهُ لِلْمُسْلِمِينَ وَأَعْظَمُهُمْ عِنْدَهُ مَنْزِلَةٌ أَحْسَنُهُمْ مُوَاسَاةً وَمَوَازَرَةً.

حضرت فرمودند: در باره خروج رسول اکرم صلی الله علیه و آله و این که پس از خارج شدن چه می کردند، از پدرم سؤال کردم. فرمودند:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله زبان خود را، جز در مواردی که به ایشان مربوط می شد، حفظ می کردند، در میان مردم تحبیب قلوب می کردند و آنان را از خود نمی راندند، کریم و بزرگ هر قومی را رئیس آنان قرار می دادند، از مردم بر حذر بودند بدون این که خوشرویی خود را از آنان دریغ کنند، از اصحاب خود سراغ می گرفتند و تفقد می فرمودند و از مردم در مورد مسائلی که بین خود مردم بود سؤال می کردند، بدون افراط و تفریط، نیکی را تحسین و تأیید، و بدی را تقبیح و بی ارزش می کردند. میانه رو و یکسان بودند، هیچ گاه غفلت نمی کردند مبادا که مردم غفلت کنند یا خسته شوند، در حق کوتاهی نمی کردند، و از حق تجاوز نمی کردند، و اطرافیان حضرتش از بهترین مسلمانان خیر بودند، و برتر و بالاتر از همه نزد آن حضرت

کسی بود که خیرش به همه می رسید، و هرکس نسبت به دیگران بهتر همدردی و کمک می کرد نزد آن حضرت مقام و منزلتی بزرگ تر داشت.

چگونگی مجلس حضرت صلی الله علیه و آله

قَالَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَجْلِسِهِ فَقَالَ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَجْلِسُ وَلَا يَقُومُ إِلَّا عَلَى ذِكْرٍ وَلَا يُوطِنُ الْأَمَاكِنَ وَيُنْهَى عَنِ إِطَانِهَا وَإِذَا انْتَهَى إِلَى قَوْمٍ جَلَسَ حَيْثُ يَنْتَهَى بِهِ الْمَجْلِسُ وَيَأْمُرُ بِذَلِكَ وَيُعْطَى كُلَّ جُلَسَائِهِ نَصِيحَةً حَتَّى لَا يَحْسَبُ أَحَدٌ مِنْ جُلَسَائِهِ أَنَّ أَحَدًا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْهُ مَنْ جَالَسَهُ صَابِرُهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُنْصَرِفَ عَنْهُ مَنْ سَأَلَهُ حَاجَةً لَمْ يَرْجِعْ إِلَّا بِهَا أَوْ بِمِيسُورٍ مِنَ الْقَوْلِ قَدْ وَسِعَ النَّاسَ مِنْهُ خُلُقُهُ وَصَارَ لَهُمْ أَبًا رَحِيمًا وَصَارُوا عِنْدَهُ فِي الْحَقِّ سَوَاءً مَجْلِسُهُ مَجْلِسُ حِلْمٍ وَحَيَاءٍ وَصِدْقٍ وَآمَانَةٍ لَا تَرْفَعُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَلَا تُؤَبَّنُ فِيهِ الْحُرْمُ وَلَا تُشْنَى فَلَتَاتُهُ مُتَعَادِلِينَ مُتَوَاصِلِينَ فِيهِ بِالتَّقْوَى مُتَوَاضِعِينَ يُوقِفُونَ الْكَبِيرَ وَيَرْحَمُونَ الصَّغِيرَ وَيُؤَثِّرُونَ ذَا الْحَاجَةِ وَيَحْفَظُونَ الْعَرِيبَ.

امام حسین علیه السلام فرمودند: در مورد نشستن حضرت سؤال کردم؟ فرمود:

ص: ۸۶

در نشستن و برخاستن به ذکر مشغول بودند، در اماکن عمومی اقامت نمی کردند و از این کار نهی می فرمودند، هر وقت به مجلسی وارد می شدند، در آخر مجلس می نشستند و همواره به این کار دستور می دادند، با همنشینان خود یکسان برخورد می فرمود تا کسی گمان نبرد که دیگری نزد آن حضرت گرامی تر است، هر کس با آن حضرت همنشین می شد حضرت در مقابل او آن قدر صبر می کردند که اول خود او بلند شود و مجلس را ترک کند، هر کس از آن حضرت حاجتی می خواست یا با دست پر برمی گشت یا در جواب، گفتاری نرم و ملایم دریافت می کرد، خلق و خوی ایشان شامل حال همه بود، برای مردم همچون پدری مهربان بودند، در مورد حق، همه در مقابل ایشان یکسان بودند، مجلس ایشان، مجلس حلم، حیاء، صداقت و امانت بود، صدا در آنجا بلند نمی شد و از نوامیس و احترامات افراد هتک حرمت نمی گردید و لغزش کسی بازگو نمی شد، همه از روی تقوی با هم برابر و به هم پیوسته و متواضع بودند، افراد بزرگ تر را احترام می کردند و به اطفال مهربانی می نمودند و افراد حاجتمند را بر خود ترجیح داده و افراد غریب را پناه می دادند.

وضع حضرت صلی الله علیه و آله با هم نشینان

فَقُلْتُ كَيْفَ كَانَ سِيرَتُهُ فِي جُلُوسَائِهِ فَقَالَ كَانَ دَائِمَ الْبَشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيْنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بِفُظٍّ وَ لَا غَلِيظٍ وَ لَا صَخَّابٍ وَ لَا فَحَّاشٍ وَ لَا عَيَّابٍ وَ لَا مَرَّاحٍ وَ لَا مَدَّاحٍ يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ وَ لَا يُحَيِّبُ فِيهِ مُؤَمِّلِيهِ قَدْ تَرَكَ نَفْسَهُ مِنْ ثَلَاثِ الْمِرَاءِ وَ الْإِكْتَارِ وَ مَا لَمَّا يَعْنِيهِ وَ تَرَكَ النَّاسَ مِنْ ثَلَاثٍ كَمَا لَا يَدُمُّ أَحَدًا وَ لَا يُعَيِّرُهُ وَ لَا يَطْلُبُ عَثْرَاتِهِ وَ لَا عَوْرَتَهُ وَ لَا يَتَكَلَّمُ إِلَّا فِيمَا رَجَا ثَوَابَهُ إِذَا تَكَلَّمَ أَطْرَقَ جُلُوسَاؤُهُ كَأَنَّمَا عَلَى رُءُوسِهِمُ الطَّيْرُ وَ إِذَا سَكَتَ تَكَلَّمُوا وَ لَا يَتَنَازَعُونَ عِنْدَهُ الْحَدِيثَ وَ إِذَا تَكَلَّمَ عِنْدَهُ أَحَدٌ أَنْصَبَ ثَوَالَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ حَدِيثِهِ يَضْحَكُ مِمَّا يَضْحَكُونَ مِنْهُ وَ يَتَعَجَّبُ مِمَّا يَتَعَجَّبُونَ مِنْهُ وَ يَصْبِرُ لِلْغَرِيبِ عَلَى الْجَفْوَةِ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ الْمَنْطِقِ حَتَّى إِنْ كَانَ أَصْحَابُهُ لَيْسَ تَجْلِبُونَهُمْ وَ يَقُولُ إِذَا رَأَيْتُمْ طَالِبَ حَاجَةٍ يَطْلُبُهَا فَارْتَدُّوهُ وَ لَا يَقْبَلُ الشَّنَاءَ إِلَّا مِنْ مُكَافِيٍّ وَ لَا يَقْطَعُ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَجُوزَهُ فَيَقْطَعَهُ بِنَهْيٍ أَوْ قِيَامٍ.

پرسیدم: رفتارشان با همنشینان خود چگونه بود؟ فرمودند:

دائماً خوشرو و ملایم و خوش برخورد بودند. سخت گیر و خشن، داد و فریاد کن و بد زبان نبودند، نه عیب جوئی می کردند و نه حمد و ثنای کسی را می گفتند، در مقابل آنچه

که دوست نمی داشتند، خود را به غفلت می زدند و به روی خود نمی آوردند، کسی از ایشان ناامید نمی شد و آرزومندانشان محروم نمی شدند. سه کار را کنار گذاشته بودند:

«مراء و مجادله»، «پرحرفی» و «گفتن حرف های بیهوده و آنچه به ایشان مربوط نمی شد». و سه کار را در مورد مردم انجام نمی دادند: «کسی را مذمت و تقییح نمی کردند»، «لغزش ها و مسائل پنهانی افراد را دنبال نمی کردند» و «هیچ وقت حرفی نمی زدند مگر جایی که امید ثواب داشتند». وقتی صحبت می کردند همه ساکت بودند و کسی کوچک ترین حرکتی نمی کرد و هر گاه سکوت می فرمود، دیگران صحبت می کردند. در حضور ایشان، مجال سخن گفتن را از یک دیگر نمی گرفتند، اگر کسی در خدمت آن حضرت صحبت می کرد، بقیه سکوت می کردند تا سخن او تمام شود بعد به کلام اوّلشان بر می گشتند، به هر چه دیگران را می خندانید حضرت می خندید، و از هر چیز که دیگران تعجب می کردند تعجب می فرمود، در مقابل افراد غریبی که از روی خشونت و تندی سوال می کردند و حرف می زدند، حتی اگر اصحاب آن حضرت در صدد بودند که این افراد را از خود برانند، حضرت می فرمودند: وقتی حاجتمندی را دیدید که در

پی برآوردن نیاز خویش است او را کمک کنید و حمد و ثنای افراد ضعیف الایمان و منافق را نمی پذیرفتند، و کلام کسی را قطع نمی کردند مگر زمانی که خود قطع کند یا وقت بگذرد که در این صورت کلامش را یا با نهی کردن و یا برخاستن از مجلس قطع می کردند.

سکوت حضرت صلی الله علیه و آله

قَالَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ سُكُوتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ سُكُوتُهُ عَلَى أَرْبَعِ الْحِلْمِ وَ الْحَذَرِ وَ التَّقْدِيرِ وَ التَّفَكُّرِ فَأَمَّا التَّقْدِيرُ فَفِي تَسْوِيَةِ النَّظَرِ وَ اللَّاسْتِمَاعِ بَيْنَ النَّاسِ وَ أَمَّا تَفَكُّرُهُ فَفِيمَا يَبْقَى وَ يَفْنَى وَ جُمِعَ لَهُ الْحِلْمُ فِي الصَّبْرِ فَكَانَ لَا يُغْضِبُهُ شَيْءٌ وَ لَمَّا يَسْتَفِزُّهُ وَ جُمِعَ لَهُ الْحَذَرُ فِي أَرْبَعٍ أَخَذَهُ الْحَسَنَ لِيُقْتَدَى بِهِ وَ تَزَكَّاهُ الْقَبِيحَ لِيُنْتَهَى عَنْهُ وَ اجْتِهَادَهُ الرَّأْيَ فِي إِصْلَاحِ أُمَّتِهِ وَ الْقِيَامِ فِيمَا جَمَعَ لَهُمْ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. (١)

امام حسین علیه السلام فرمودند: در باره سکوت رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم، پدرم فرمودند:

سکوت آن حضرت در چهار مورد بود: حلم و بردباری، حذر و احتیاط، سنجش و اندازه گیری، و تفکر. و اما سنجش و

ص: ۹۰

اندازه گیری در یکسان نگاه کردن به مردم و یکسان گوش دادن به سخن های آنان، و تفکر آن حضرت در امور باقی و امور فانی بود، حلم و بردباری را در عین شکیبائی و صبر دارا بودند، چیزی آن حضرت را عصبانی نمی کرد و از کوره به در نمی برد. و در چهار مورد با دقت و احتیاط رفتار می کردند: انجام کارهای نیک، تا دیگران به آن حضرت تأسی کنند، ترک کارهای قبیح، تا دیگران نیز ترک کنند، کوشش و دقت نظر در اصلاح امت خویش و اقدام به کاری که برای همه دارای خیر دنیا و آخرت بود، درود خدا بر او و خاندان پاکش باد.

و در یک کلمه باز می خواهیم بگوییم: ای پیامبر!

نه ملک بودی و نه خسته ز خاک

ای بشیر ما، بشر بودی و پاک

چگونگی تأثیر صلوات ما بر پیامبر صلی الله علیه و آله

سؤال: با توجه به مقام کامل پیامبر و ائمه علیهم السلام، آن بزرگواران چه نیازی به صلوات ما دارند؟

جواب: آیت الله جوادی آملی به نقل از علامه طباطبائی صلی الله علیه و آله در جواب این سؤال می فرمایند: صلواتی که ما می فرستیم، اولاً از خودمان چیزی اهداء نمی کنیم، بلکه به خدا عرض می کنیم و از او می خواهیم که بر پیامبر و خاندانش رحمت ویژه خود را

بفرستد. ثانیاً؛ گرچه این خاندان به ما محتاج نیستند، ولی به ذات اقدس خداوند نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آن ها نازل شود. از طرفی ما با تقاضای صلوات خدا بر آن ها، خود را به این خاندان نزدیک کرده ایم. مثل این است که باغبانی از گل های صاحب باغ یک دسته گل به صاحب باغ هدیه کند، درست است که همه آن گل ها مال صاحب باغ است، ولی آن کار موجب قرب باغبان به صاحب باغ می گردد. چون یک نوع ادب است. و صلوات، ادب ما را ثابت می کند، وگرنه ما که از خود چیزی نداریم، بلکه از ذات اقدس الله مسئلت می کنیم که بر مراتب و درجات این بزرگواران بیفزاید، و همین عرض ادب برای ما موجب تقرب است. (۱)

معنی صلوات این است که: خدایا! رحمت خود را بر پیامبر و آل او نازل فرما، وقتی رحمت بر آن ها نازل شد، به دیگران هم می رسد، چون آن ها مجاری فیض اند (۲) و اگر بخواهد خیری به بقیه برسد، باید به عنوان رحمت خاصه نخست بر آن ها نازل شود، سپس به دیگران برسد. چنانچه عرضه

ص: ۹۲

۱- «توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها»، آیت الله جوادی آملی «حفظه الله تعالی»، ج ۱، ص ۷۸.

۲- «توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها»، آیت الله جوادی «حفظه الله تعالی»، ج ۱، ص ۹۳.

می داری: «بِئْمَانِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَبُجُودِهِ ثُبَّتِ الْمَارِضُ وَالسَّمَاءُ» (۱). به برکت وجود آن حضرت مخلوقات روزی دریافت می کنند و زمین و آسمان پایدار می مانند.

همان طور که در آیه ۵۶ سوره احزاب فرمود: خدا و ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند، در آیه ۴۳ همان سوره فرمود:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛

خداوند و ملائکه او بر شما مؤمنان درود می فرستند تا شما را از ظلمات به سوی نور خارج کنند.

پس مؤمنان به جایی می رسند که خدا و ملائکه بر آن ها درود می فرستند و این درود فرستادن، آن ها را به سوی نور می کشاند، حال می توان گفت صلوات خدا و ملائکه برای پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام موجب می شود که آن ها همواره در مقام نوری خود باقی بمانند. همان طور که استغفار ائمه معصومین علیهم السلام جهت دفع گناه است، به طوری که آن ها را در شرایطی قرار می دهد که گناه سراغشان نمی آید. در حالی که استغفار برای امثال ما جهت رفع گناه بوده، موجب می شود تا آثار ظلمانی گناه از جان ما پاک شود. معنی خروج از ظلمات

ص: ۹۳

به سوی نور برای ما، در اثر صلوات خدا و ملائکه به همان معنی پاک شدن از آثار ظلمانی گناه است.

از طرفی صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام از آن جهت که ما آن صلوات را انجام می دهیم فعل ما محسوب می شود و نتایج آن عائد ما می گردد و ما را به مقام عبد شکور وارد می کند بنده ای که توجه به نِعَمِ عالیهِ الهی دارد و از حضرت پروردگار تقاضا می کند بر این مجاری عالیهِ فیض ات که در رساندن حقیقت دین به ما، نهایت تلاش را انجام دادند صلوات خود را برسان و از آن برکاتی که مخصوص اولیاء خاص خودت هست بر آن ها ارزانی دار. در واقع با صلوات خود به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می داریم:

راند حق این آب را در جوی تو

آفرین بر دست و بر بازوی تو

باید متذکر بود که پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام وسایل وصول اهل معرفت و وسائط نزول برکات و تجلیات حضرت ربوبیت جَلَّتْ و عَظَمَتَه هستند. لذا امام صادق علیه السلام می فرماید: «وَبِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ، وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ»^(۱) به وسیله عبادت و پرستش ما مردم خداپرست شدند، اگر ما نبودیم مردم خدا پرست نمی شدند.

ص: ۹۴

۱- «بحار الأنوار»، ج ۲۴، ص ۱۹۷.

هر کس شمه ای از حقیقت ولایت و رسالت را بداند خواهد دانست نسبت اولیاء الهی علیهم السلام به خلق چه نسبتی است و چگونه از طریق آن ذوات مقدس راه عبادت الهی برای انسان گشوده می شود.

علاوه بر این از طریق صلوات بر این خاندان یک نحوه اتحاد روحانی با آن ها برای ما پیش خواهد آمد و با تکرار صلوات، این اتحاد روحانی را تشدید می کنیم و پایدار نگه می داریم، و از طرف دیگر ذکر صلوات در عین این که یک دعای با محتوا است، یک شعار اسلامی نیز هست زیرا در میان ادعیه تنها دعایی است که مستحب است بلند گفته شود. شاید بلند گفتن آن به این علت است که موجب زنده نگه داشتن نام پیامبر صلی الله علیه و آله می شود، در حالی که به ما دستور داده اند؛ «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصِيَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (۱) و در دل خویش پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بدون صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش. و نیز همان رسول خدایی که در دعا کردن می فرماید: «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَإِنَّ

ص: ۹۵

رَبِّكُمْ لَيْسَ بِأَصَمٍّ»^(۱) صدای خود را در حین دعا بلند نکنید که پروردگار شما ناشنوا نیست؛ می فرماید: «ارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ»^(۲) آوازهای خود را به صلوات بر من بلند کنید، زیرا که آن نفاق را برطرف سازد.

همه این ها نشان می دهد که صلوات نسبت به بقیه ادعیه وسعت بیشتری دارد و نه تنها موجب یگانگی قلب ذاکر صلوات با روح رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم سنخی با عالم قدس می شود، بلکه یک نحو گسترش نور اسلام و نبوت در جامعه نیز هست.

در راستای برکاتی که صلوات خدا و ملائکه بر پیامبر و آل او علیهم السلام دارد در روایت داریم؛ معنی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله به معنی مدح و ثنای او است.

قال ابوبصیر قال: سألتُ ابا عبدالله صلی الله علیه و آله عن هذه الآية، كيف صلوة الله على رسوله؟ قال: «يا ابا محمد! تَزَكِيَةٌ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى»،^(۳)

ص: ۹۶

۱- «ارشادالقلوب»، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۳.

۳- «مرآة العقول»، ج ۱۲، ص ۱۱۶.

ابوبصیر گوید از حضرت صادق علیه السلام در رابطه با این آیه سؤال کردم که صلوات خدا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه است؟ حضرت در جواب فرمودند: ای ابامحمد! به معنی ثناء او در عالم اعلا است.

و نیز داریم، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى « إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا » فَقَالَ صَلِّمَاءُ اللَّهُ [عَلَيْهِ] تَزْكِيَةٌ لَهُ فِي السَّمَاءِ قُلْتُ مَا مَعْنَى تَزْكِيَةِ اللَّهِ إِيَّاهُ؟ قَالَ زَكَاةٌ بِأَنْ بَرَّاهُ مِنْ كُلِّ نَفْصٍ وَ آفَةٍ تَلَزُمُ مَخْلُوقًا . قُلْتُ فَصَلِّمَاءُ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ يُبْرِئُونَهُ وَ يُعَرِّفُونَهُ بِأَنَّ اللَّهَ قَدَّ بَرَّاهُ مِنْ كُلِّ مَا هُوَ فِي الْمَخْلُوقِينَ مِنَ الْآفَاتِ الَّتِي تُصِيبُهُمْ فِي بَنِيهِ خَلْقِهِمْ فَمَنْ عَرَّفَهُ وَ وَصَفَهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ فَمَا صَلَّيَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ فَكَيْفَ نَقُولُ نَحْنُ إِذَا صَلَّيْنَا عَلَيْهِمْ؟ قَالَ: تَقُولُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ فَكَذَلِكَ صَلَّاتُنَا عَلَيْهِ.

راوی پس از آن که معنی صلوات خدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله را از امام صادق علیه السلام می پرسد، حضرت می فرماید: صلوات خدا بر رسولش، تزکیه و ثناء او در آسمان است. می گوید: پرسیدم معنی ثناء و تزکیه رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله خدا به چه معنی

است؟ فرمود: پاک نگه داشتن او از هر نقص و آفتی که لازمه مخلوق است. پرسیدم؛ معنی صلوات مؤمنین چیست؟ فرمود: او را مبرا بدانند و این طور بشناسند که خداوند او را از کلیه ضعف هایی که در بقیه خلق هست پاک نگه داشته، و کسی که او را جز این بشناسد و وصف کند عملاً بر پیامبر صلوات نفرستاده. پرسیدم؛ چگونه ما بر او و خاندانش صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید؛ «اللَّهُمَّ إِنَّا نُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ فَكَذَلِكَ صَلَّاتُنَا عَلَيْهِ»، خدایا! ما بر پیامبرت و بر آل او درود می فرستیم، همچنان که به ما امر کردی و همان طور که خودت بر آن ها درود می فرستی، صلوات ما بر آن ها باد.

این روایت عظیم الشأن و جلیل القدر به ما کمک می کند که با صلوات، جهت جان را متوجه آن ذات مقدسی نماییم که خداوند او را از همه ضعف ها پاک نگه داشته و او را همواره به عنوان پیشوای خود در منظرمان داشته باشیم، و با نظر به آن مقام و اعلان ارادت به ساحت کبریایی آن رسول الهی صلی الله علیه و آله از برکات خاص صلوات بر او و خاندان مطهرش بهره مند گردیم.

و نیز در روایت داریم که راوی می گوید از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم؛

«مَا مَعْنَى صَيِّمَاءِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ صَيِّمَاءِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ صَيِّمَاءُ اللَّهِ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ صَيِّمَاءُ مَلَائِكَتِهِ تَزَكِيَةٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ.» (۱)

معنی صلوات خدا و ملائکه و مؤمنین چیست؟ حضرت می فرمایند: صلوات خدا و صلوات ملائکه تزکیه و ثناء آن هاست بر پیامبر صلی الله علیه و آله، و صلوات مؤمنین دعای آن هاست برای پیامبر صلی الله علیه و آله.

ابن اثیر می گوید: معنی صلوات ما به این صورت است که از خدا تقاضا می کنیم: «عَظَّمَهُ فِي الدُّنْيَا بِأَعْلَاءِ ذِكْرِهِ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِهِ وَ إِبْقَاءِ شَرِيْعَتِهِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِتَشْفِيْعِهِ فِي أُمَّتِهِ وَ تَضْعِيْفِ أَجْرِهِ وَ مَثُوْبَتِهِ»، (۲) خدایا او را در دنیا بزرگ بدار با بلند کردن نام او و گسترش دعوتش و پایداری شریعت اش، و در آخرت نیز به شفاعت در امتش و افزودن اجرو ثوابش او را بزرگ بدار.

چگونگی فرستادن صلوات

سؤال: چگونه صلوات بفرستیم؟

ص: ۹۹

۱- «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، ص ۱۵۶.

۲- «کتاب طرائف»، ابن طاوس، ص ۳۳۰ در مورد صلوات.

جواب: همچنان که قبلاً عرض شد بنا به نقل شیعه و سنی، رسول خدا صلی الله علیه و آله تأکید داشته اند که صلوات ناقص و بریده نفرستید به طوری که در کنار صلوات بر آن حضرت «آل» آن حضرت ذکر نشود. چنانچه در روایت داریم:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله «لَا تُصَلُّوا عَلَيَّ صِلَاءَ مَبْتُورَةٍ بَلْ صَلُّوا إِلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي وَ لَا تَقْطَعُوهُمْ فَإِنَّ كُلَّ نَسَبٍ وَ سَبَبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْقَطِعٌ إِلَّا نَسَبِي»،^(۱)

بر من صلوات ناقص نفرستید، بلکه وصل کنید بر من اهل بیت مرا و آن ها را منقطع نکنید، زیرا که در قیامت هر نَسَب و سببی منقطع است مگر نَسَب من. که این حکایت از آن دارد که آن ذوات مقدسه یک حقیقت واحدند.

و نیز بخاری نقل می کند که وقتی راوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید؛ یا رسول الله فهمیدیم چگونه بر تو سلام کنیم، حال بفرمایید چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمودند: بگوئید؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». ^(۲)

ص: ۱۰۰

۱- «وسائل الشیعه»، ج ۷، ص ۲۰۷.

۲- «صحیح بخاری»، ج ۶، ص ۲۷ نقل از ظرائف، سیدبن طاووس، ترجمه داود الهامی، ص ۳۳.

در روایت داریم: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتُزْهَا لَا تَظْلِمُنَا حَقَّنَا قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: پدرم شنید که مردی به پرده کعبه در آویخته و می گوید: «اللهم صل علی محمد» (و نامی از آل محمد دنبال آن نمی برد) پدرم به او فرمود: ای بنده خدا بریده اش مکن، و در باره حق ما به ما ستم مکن، و بگو: «اللهم صل علی محمد و أهل بیته».

ثعلبی در تفسیر خود در مورد آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، آورده است که؛

قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا السَّلَامَ عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ قَالَ قُولُوا «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

ص: ۱۰۱

آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» (۱).

کتاب «کنز العمال» از علی علیه السلام روایت می کند که فرمودند: راوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد ای رسول خدا سلام کردن به شما را دانستیم، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت می فرماید: بگویید؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارَكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» (۲).

مرحوم علامه سید مرتضی عسکری «رحمه الله علیه» در جزوه مختصری موضوع فضیلت صلوات و چگونگی آن را بر اساس متون اهل سنت جمع آوری کرده اند که همه روایات حکایت از آن دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله تأکید داشته اند صلوات بر ایشان را با صلوات بر آل آن حضرت همراه کنند.

ص: ۱۰۲

۱- «بحار الأنوار»، ج ۲۷، ص ۲۵۸.

۲- «کنز العمال»، ج ۲، ص ۱۷۶، و «تفسیر درالمنثور»، ج ۵، ص ۲۱۷.

نقش صلوات در استجاب دعا

سؤال: چه رابطه ای بین صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و استجاب دعا هست که در روایات داریم چنانچه دعای خود را با صلوات همراه کنید مستجاب می شود؟

جواب: همان طور که می فرمایید علاوه بر روایاتی که صلوات را عامل هدم گناهان می داند، روایاتی داریم که می فرماید صلوات موجب برآورده شدن حاجات می شود، مثل این که: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«من صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ قَضَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ» (۱).

هر کس بر محمد و آل محمد صد بار درود بفرستد، خداوند صد حاجت او را بر می آورد.

یا روایاتی که می فرماید برای برآورده شدن حاجات خود، همراه آن ها، صلوات بر محمد و آل محمد را قرار ده. از جمله این که امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ

ص: ۱۰۳

۱- «مناقب علی بن ابی طالب»، ص ۲۹۵.

مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ. (۱)

هر کس به درگاه خدای عزوجل حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آتش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم به صلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد، زیرا که خدای عزّ و جلّ کریم تر از آن است که دو طرف دعا را بپذیرد، و وسط دعا را واگذارد، زیرا صلوات بر محمد و آل محمد محجوب نیست.

یا می فرمایند: «لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». (۲)

پیوسته دعا محجوب است (و میان آن و استجابتش حجاب و پرده ای حائل است) تا بر محمد و آتش صلوات فرستاده شود.

و یا می فرمایند: «مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آله رُفِعَ الدُّعَاءُ». (۳)

ص: ۱۰۴

۱- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳- «الكافی»، ج ۲، ص ۴۹۱.

هر که دعائی کند و نام پیغمبر صلی الله علیه و آله را نبرد آن دعا بالای سرش بچرخد، و چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله را برد دعا بالا رود.

علت چنین قاعده ای را باید در صفاتی دانست که در قلب ذاکر صلوات پدید می آید، به طوری که عملاً گوینده صلوات، با ذکر صلوات با نور پیامبر و ائمه علیهم السلام در محضر خدا حاضر می شود و با چنین حضوری مانعی بین او و فیض حضرت رب العالمین باقی نمی ماند و همان ملائکه ای که با صلوات بر محمد و آل او، به مدد ذاکر صلوات می آیند، در برآورده شدن حاجات او را یاری می کنند.

به امید آن که توانسته باشیم در شناخت مقام نبی صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام قدمی برداشته باشیم و با صلوات بر آن ذوات مقدسه خود را به انوار آن ها نزدیک کنیم.

«والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ»

ص: ۱۰۵

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده

معرفت النفس و الحشر (ترجمه و تنقیح اسفار جلد ۸ و ۹)

گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی

علل تزلزل تمدن غرب

آشتی با خدا از طریق آشتی باخود راستین

جوان و انتخاب بزرگ

روزه ، دریچه ای به عالم معنا

ده نکته از معرفت النفس

ماه رجب ، ماه یگانه شدن با خدا

کربلا، مبارزه با پوچی ها

زیارت عاشورا، اتحادی روحانی با امام حسین علیه السلام

فرزندم این چنین باید بود (نامه حضرت علی به امام حسن علیهم السلام - نهج البلاغه، نامه ۳۱)

فلسفه حضور تاریخی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه

مبانی معرفتی مهدویت

مقام ليله القدری فاطمه علیها السلام

از برهان تا عرفان (شرح برهان صدیقین و حرکت جوهری)

جایگاه رزق انسان در هستی

فرهنگ مدرنیته و توهم

دعای ندبه، زندگی در فردایی نورانی

معاد؛ بازگشت به جدی ترین زندگی

بصیرت حضرت فاطمه علیها السلام

جایگاه و معنی واسطه فیض

ص: ۱۰۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

